سخنراني پرويز ناتل خانلري

در نخستين كنگره‌ي شاعران و نويسندگان ايران

به رياست ملك‌الشعراي بهار

سال ۱۳۲۵- تهران

و

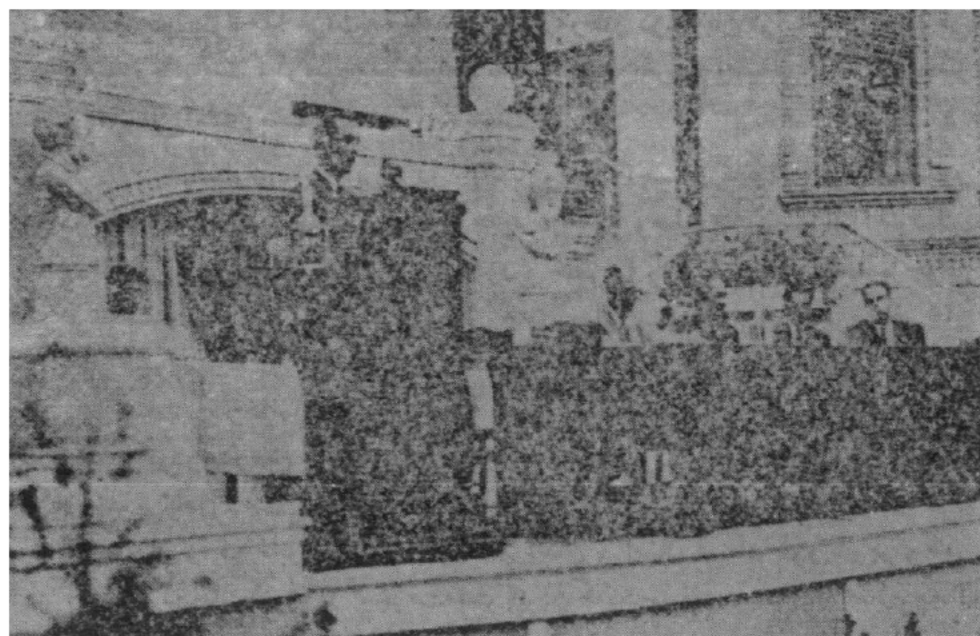
سخنرانی دکتر پرویز ناتل خانلری در مراسم سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران

نثر فارسی در دورهٔ اخیر

قرائت اشعار تا ساعت ده و نیم روز پنج شنبه ٦ تیر ماه ادامه داشت وچون وقت گذشته بود ، قرار براین شد که بقیه گویندگان آثار خود را روز دیگری قرائت کنند. روز شنبه هشتم تیرماه آقای دکتر پرویز ناتل خانلری سخنرانی خودرا دربارهٔ « نثرفارسی » درساعت ٦ بعد از ظهر آغاز نمودند.

تحولاتی که در ادبیات خاصه نثر فارسی در طی یك قرن اخیر حاصل شده نتیجهٔ تحولات عظیم اجتماعی این کشورست . جامعه ایرانی در هیچیك از ادوار تاریخی باین سرعت چنین تحولی نیافته بود. نخستین مرحله تحول اجتماعی ایران از اوایل تاسیس سلسله قاجاریه آغار شد . سیاست کلی واصلی قاجاریه در داخله برانداختن ملوك طوایف وایجاد مرکزیت در حکومت بود . تاریخ اجتماعی ایران ار اوایل تأسیس سلسله قاجاریه تاپایان سلطنت ناصر الدینشاه عبارتست از تحول تدریجی جامعه‌ایرانی از وضع حکومت خانخانی بحکومت واحد مرکزی. ایجاد حکومت قوی‌مرکزی‌موجب توسعه تشکیلات دیوانی ودرباری شد . اهل قلم وسواد از نواحی مختلف ایران بمرکز روی آوردند و بخدمت دیوان مشغول شدند .

باین طریق اندك اندك ودر طی دوسه نسل طبقه خاصی بوجود آمد که طبقه مستوفیان یا درباریان بود . این طبقه که با حقوق ووظایف دیوانی زندگانی متوسط ونسبتاً آسوده‌ای‌میگذراندندومجال‌داشتند که بمعارف‌ومعنویات بپردازند بتدریج هسته اصلی طبقه تحصیل کرده وباصطلاح امروز روشن فکر را تشکیل‌دادند . تمدن غربی که باسیاست استعماری دولتهای اروپائی درایران نفوذ کرده بود اول دراین طبقه‌زمینه مساعدی برای نمو یافت . افراد این‌طبقه بودند که یاهمراه پادشاهان یابماموریتهای سیاسی‌بکشور های اروپا رفتند و ترقیات جدیدصنعتی‌اروپا ونظامات‌اجتماعی آنجارادیدند ودر سفرنامها یابوسیله نقل و گفتگوهموطنان‌خودرا باآن امور آشنا کردند . افراد این‌طبقه بتدریج زیاد شدند . افکار آزادیخواهی در ایشان نمو کرد . بعضی از افراد طبقه روحانیان هم که فکری تیز ونظری صائب داشتند بایشان پیوستند ومقدمات تحول دیگری را از حکومت مطلقه بحکومت‌ملی فراهم کردند . از انقلاب مشروطه تاکنون جامعه ایرانی تحول بسوی بورژوازی طی‌میکند اگرچه هنوز در بسیاری‌ازنواحی ایران بقایای جامعه خانخانی دیده میشود .



دکتر خانلری هنگام ایراد نطق

نفوذ سیاستهای خارجی درتمام این‌مدت بطور مستقیم یاغیر مستقیم در

این تحول‌ها بطریقی تأثیر داشته، گاهی سیر تحول را تسریع میکرده و گاهی عایق ومانعی در راه آن بوجود میآورده است .

روابط سیاسی ایران با کشورهای اروپائی از اواخر دورهٔ خاندان چنگیز آغاز شد و در دوران سلسلهٔ صفویه خاصه از زمان شاه عباس کبیر به بعد قوت یافته بود .

اما در اوایل سلطنت قاجاریه بسبب رقابتی که میان امپراطوری روسیه تزاری از یکطرف وسیاست استعماری کمپانی هند شرقی از طرف دیگر در گرفته بود این روابط رو بازدیاد نهاد . ناپلئون اول نیز در این میان جلب دوستی سلاطین ایران را برای اجرای مقاصد جهانگشائی خود لازم دید و باین طریق کشور ایران میدان رقابت و کشمکشهای سیاسی دولتهای اروپائی قرار گرفت .

بنظر میرسد که پیش از شکستهائیکه در جنگ باروسهای تزاری بایران وارد آمد هنوز درباریان وزمامداران این کشور اهمیت موقع و تغییر وضع جهان وعقب ماندگی خود را از تمدن جدید در نیافته بودند . افسانها ومتلک هائیکه در بارهٔ مذاکرات فتحعلیشاه وطرز رفتار درباریان او باسفیران خارجی برسر زبانهاست اگرهم عیناً حقیقت نداشته باشد معرف بیخیالی رجال آنعهد و بی اعتنائی ایشان بمقتضیات عصر جدید است .

شکستهای پیاپی ایران در جنگ باروسها واحساس ناتوانی اولیای کشور در مقابل ممالک اروپائی که بوسائل جدید در جنگ وصلح مجهز بودند آسودگی خیال ایرانیان زیرک ودانا را برهم زد . خطر را روبرو دیدند وبچاره جوئی برخاستند. نخستین نمونه این کوشش جدی برای پیشرفت وجود میرزا تقی خان امیر کبیر است که در جوانی همراه نمایندگان پادشاه ایران سفری بروسیه کرده وموسسات وکارخانهای جدید روسیه آنروز را دید وعلل ضعف وعقب ماندگی کشورخودرا درعدم توجه بعلوم وفنون جدید دانسته بود و باین سبب همینکه بصدارت رسید بی تامل دست بکار اصلاحات زد. جای آن نیست که مجاهدتهای دول استعماری را در نابود کردن میرزا تقی خان و امثال او یاد آور شویم و سعی ایشانرا درجلوگیری از پیشرفت ملت ایران که بدستیاری بعضی از عمال ورجال خائن ایرانی انجام گرفته است ذکر کنیم . این مطلب جای دیگر دارد . نکته ایکه اینجا باید گفته شود اینست که ادبیات ایران از آنزمان تاکنون جز آئینه تجلی آرزوی پیشرفت وترقی ورفع مفاسد واصلاح معایب اجتماعی و سیاسی نیست .

این آرزو گاهی باامید و گاه بانومیدی آمیخته است . اما در همه حال شوق وشوری که در آثار ذوقی وفکری ایرانیان در طی هفتاد ساله اخیر دیده میشود اگر در تاریخ ادبیات این کشور نظیری داشته باشد در سه چهار قرن اول استیلای عرب است . این دو دوره از جهات بسیار باهم مشابهت دارد. در هردو باز روح ملی ایران خطر را حس کرده وبتکاپو وکوشش افتاده است .

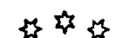
گفتگوی ما در اینجا از تاریخچه نثرفارسی در دوره اخیرست . درواقع این دوره را در تاریخ ادبیات فارسی دورهٔ نثر باید شمرد. البته غرض این نیست که در طی این دوران شعر وجود نداشته ونمیخواهم قدر استادان شعر اخیر را بشکنم وکوشش وهنر ایشان را انکار کنم . اما هیچیک از ادوار ادبی ایران از حیث نثر اینقدر پرمحصول وبرومند نبوده وتااین درجه از جهت مضمون و مطلب تنوع نداشته وچنانکه بعد خواهیم دید در بسیاری ازرشته‌ها بهترین نمونه های ادبیات ایران در ایندوره بوجود آمده است .

علت مهم این امر آنست که نثر فارسی در ادوار سابق برای بیان موضوع های محدودی از قبیل تاریخ واخلاق وگاهی فلسفه وپند وبعضی از رشته های علوم بکار میرفت ودر دوره اخیر بود که دامنه مقاصد نثر وسعت گرفت ومسائل سیاسی واجتماعی وافسانه سرائی وعلوم جدید وانتقاد های اجتماعی بصورت جد وهزل وتصریح وتعریض بمیان آمد وروزنامه نویسی معمول شد و گروه خوانندگان بتدریج فراوان شدند ونویسنده بخلاف سابق معدودی از اهل فضل را مخاطب ندانست بلکه هدف آثار خود را فهم قاطبه خوانندگان قرار داد و بعلاوه بدیهی است که برای بیان مقاصد جدید نثر بیش از شعر بکار میآمد

دیگر آنکه در شعر فارسی قدیم استادانی بزرگ وجود داشتند . ترک سرمشقهای عالی که ایشان داده بودند واتخاذ راهی دیگر در بیان عواطف و حالات نفسانی وافکار کاری عظیم ودشوار بود وچون شعر باذوق عامه سروکار دارد و ذوق عامه بنده عادتست و ترک عادت کار آسانی نیست ، کوشش شاعران جدید در تغییر روش وشیوه شاعری اگر هم درست وبجا و نتیجه طبع سلیم ومستقیم بود بسهولت قبول عام نمییافت وهمین نکته سخنوران را دلسرد میکرد وایشانرا ازکوشش باز میداشت . اما در نثر این مشکل در پیش نبود زیرا در بسیاری از مطالب که در این زمان مطرح میشد نمونه های کاملی در ادبیات قدیم وجود نداشت وبجای آنکه ذوق عامه قید وسدی در راه پیشرفت نویسنده ایجاد کند اینجا نویسنده بود که بادادن نمونهای جدید ادبی ذوق عموم را پرورش میداد ورهبری میکرد .

یك نکته دیگر نیز در باره علت عقب ماندن شعر از نثر گفتنی است.

نویسندگان این دوره از ادبیات اروپائی سرمشق میگرفتند وترجمه آثار ادبی اروپا از مهمترین عوامل تجدید ادبیات مابود . اما ترجمه شعر از زبانی بزبان دیگر کار آسانی نیست وبهمین سبب آثار منظوم ادبیات اروپائی بسیار دیرتر از آثار منثور آن بزبان فارسی ترجمه شد وتأثیر آن در شعر فارسی تا این اواخر چندان بزرك نبوده است .



الفاظ وعبارات وسیله بیان معانی است . آما آنجاکه نویسنده معنی و مطلبی نداردتابیان کند یامعانیئی که در ذهن‌اوست‌مبتذل ومعروف ومعهود اذهان دیگرست ناچار برای‌هنر نمائی‌بدامن الفاظ میافتد وبیانرا بجای آنکه‌وسیله‌ای باشد غایت وهدف قرار میدهد .

از اواخر دورهٔ چنگیزیان وضع ادبیات فارسی چنین شده بود . کتاب هائی مانند تاریخ و صاف ودرهٔ نادره نمونه هائی از این لفظ پردازی وعبارت سازی بیجا و غیرلازم است .

اما نمونهٔ کامل تر این شیوهٔ ناپسندیده را در تاریخ معجم باید جست. در این کتاب که هنوز برای آموختن املاء مایهٔ ابتلای فرزندان بیگناه این سرزمین است، نویسنده هیچ مطلبی نداشته است تا بگوید و از این راه درچشم خواننده قدری حاصل کند. مطالب آن در تاریخ داستانی ایران قبل از اسلام از هر تاریخ مختصر دیگری کمتر و کوتاهترست . مولف خواسته است این قلت معنی را با کثرت لفظ جبران کندو بجای بیان مطلت از صدای کوس وصیت ناموس و صرامت کیکاوس و این قبیل سجع های لوس و مترادفات نا مانوس آنچه میتوانسته در آن آورده و هنر خود را بچشم خواننده کشیده است

این کتاب را باین سبب مثال آوردم که نمونهٔ کاملی است از شیوهٔ منشیان درباری از اواخر دوران چنگیزیان تا اواسط دوره قاجاریه ـ تجمل آن جاست که احتیاج نیست .

در این ادوار کارهای سیاسی و درباری بزور شمشیر انجام میگرفت نه بقلم . منشیان دیوانی جز بنوشتن نامه های تهدید و تخویف بسرکشان نواحی مختلف و یا انشای فرمان حکومت و گاهی نامه های دوستانه ازطرف پادشاهان ایران بسلاطین دیگر کاری نداشتند و در اینگونه موارد معانی‌مقصود مختصر ومحدودست و مجال عبارت پردازی‌وسیع. اسلوب انشای درباری‌درهمه امور دیگر نیز نفوذ یافته و سر مشق قرار گرفته بود . منشیان حکام و امرای محلی بهم‌چشمی بایکدیگر بافزودن القاب وعناوین میکوشیدند و دردراز گوئی‌و مفصل نویسی بر یکدیگرسبقت میجستند وچون خواننده این ترهات جزهمکاران ایشان نبودند از ملالت خاطرخوانندگان بیمی دردل نداشتند . نخستین کسی که بضد این یاوه بافی‌هابرخاست‌قائم مقام فراهانی وزیرمحمدشاه بود . مسلم‌است که‌حسن ذوق‌او درترك‌این‌شیوه دخالت بسیارداشته‌است اماعلت‌دیگری نیز باید برای‌تغییرسبك جستجو کرد وآن اینست که در این زمان بسبب ارتباط بیشتر با کشور های دیگر و تغییراتیکه در وضع اجتماعی و سیاسی ایران آغاز شده بود کارهای دیوانی تنوع و کثرت یافته و فراغت و مجال عبارت‌پردازی بیجا نگذاشته بود .

با اینحال امروز که منشئات قائم مقام را میخوانیم باز الفاظ آن‌زائد برمعانی بنظر میرسد، زیرا که رهائی کامل‌ازقیودآداب معمول‌بآن سرعت‌امکان نداشته است .

میرزا تقی خان امیر کبیر که پروردهٔ قائم مقام بود و خود ذهنی صریح داشته و مرد کار بوده و در نوشته های خود سر مشق سادگی و بی تکلفی انشاء بود و ناصرالدین شاه نیز با آنکه‌در دوران سلطنت خود امیر کبیر را بیش از سه‌سال زنده نگذاشت پس از شهادت او درباریان کوششی برای محو آثارش نشان دادند و در طی بقیهٔ مدت مدید سلطنتش از اغلب‌سر مشقهای‌آن وزیر بزرگوار پیروی میکرد واز آنجمله همین دلبستگی بسادگی و صراحت انشاء بود چنانکه سفر نامه های او چه آنهاکه خود نوشته و چه قسمتهائیکه بزبان او نوشته اند از اولین نمونه‌های نثر مرسل در دوره اخیر بشمار میرود .

از مهمترین اموری که هم در نهضت فکری ایرانیان و هم در تحول شیوه نثر فارسی تاثیر عظیم داشته یکی‌سفر و سیاحت ایرانیان در کشورهای اروپا و نوشتن سفر نامه ها بوده است ودیگر تاسیس‌روزنامه‌و رواج روزنامه نویسی .

۱ـ سفرنامه ها

دز سفر نامه ها چون شرح وقایع و حوادث و مشاهدات مقصود بوده و اغلب در طی مسافرت و بتعجیل وقایع ثبت میشده مجال عبارت پردازی نمی مانده است . باین سبب اکثر سفر نامه هائیکه از زمان سلطنت فتحعلی شاه در دست است باسلوب و انشائی ساده و روان نوشته شده و از تکلفات‌منشیانه عاری است .

البته چون موضوع این‌سفرنامه‌ها جالب‌بوده وعموم آنها رامیخوانده‌اند

در تغییر اسلوب نثر نویسی تاثیر بسیار داشته است .

اولین نمونه‌ای که از این آثار بدست‌داریم سفر نامهٔ میرزا صالح بیك شیرازی است. این شخص جزء هیئت پنج نفری ازطرف عباس میرزای نایب‌السلطنه برای تحصیل فنون جدید باروپا فرستاده شد. میرزا صالح در ۱۳۲۰ با همراهانش از ایران بقصد انگلستان عزیمت کرده و در ۱۳۲۵ بتبریز باز گشته و سفر نامه او شامل حوادث مسافرت در این مدت و شرح و مشاهدات او است .

همین میرزا صالح بیك‌شیرازی است که نخستین روزنامه را درایران در سال ۱۲۵۲ هجری قمری تاسیس کرده است .

پس از سفرنامه میرزا صالح سفر نامه دیگری که از این زمان‌دردست است سفر نامه خسرو میرزا پسر هفتم عباس میرزای نایب السلطنه است که برای تدارك واقعهٔ قتل گریبایدوف نزدنیکولای اول امپراطورروسیه‌فرستاده شد و میرزا مصطفی افشار از همراهان او شرح وقایع و حوادث سفر خسرو میرزا را که از ۱۶ شوال ۱۳۴۴ تا سوم رمضان ۱۳۴۵ بطول انجامیده روز بروز نوشته است .

این چند سطر نمونهٔ انشای این سفرنامه است :

«پس‌ازذکر مذاکرات امپراطور با شاهزاده مینویسد : «بعداز آن (امپراطور) همراهان را خواسته بهر یك علی قدر مراتبهم التفات کرد و بسیار اظهار خوشوقتی کرد از اینکه چنین اشخاص در خدمت شاهزاده مامور شده اند .

سیما امیر نظام‌را بسیار بسیار نوازش و التفات کردو از میرزا مسعود استفسار کرد که زبان فرانسه را در کجا یاد گرفته. عرض‌کرد در تبریز ، از این معنی تعجب کرده فرمود شما بهتر ازمن حرف میزنید» .

دیگر از جمله سفر نامه ها اوایل کتاب بستان السیاحه است که در ۱۲۴۷ چاپ شده و مولف آن حاج زین العابدین شیروانی سفر خمود را در قفقاز و شهرهای ایران و عراق وهند و بدخشان وترکستان و ماوراء سیحون و خلیج فارس و یمن و مصر و سوریه و ترکیه و ارمنستان در آن شرح میدهد.

اما مهم ترین سفر نامه هائیکه بچاپ رسیده و خوانندهٔ بسیار داشته و اسلوب انشای آنها بی شك در نثر نویسی جدید تاثیر کرده است سفر نامه های ناصرالدین است .

بعضی از این سفر نامه ها بقلم خود شاه و بعضی دیگر انشای‌منشیان اوست . از قسم اول « روزنامه سفر کربلا» و «سفر فرنگستان» را ذکر باید کرد .

تاریخ سفر کربلا ۱۲۸۷ است ومتن سفر نامه در همان زمان بچاپ رسیده. سفر فرنگستان ناصرالدین‌شاه در ۱۲۹۰ هجری‌اتفاق افتاد و سفرنامه آن ۱۲۹۱ درتهران بچاپ سربی طبع شد . انشای سفر نامه ها‌انشای‌ساده و نزدیك بمشاورهٔ عادی و خالی از هر گونه تکلف است .

بنظر می‌آیدکه ایندرجه سادگی درانشاء هنوزمعمول ومستحسن‌نبوده زیرادرآغاز روزنامه سفر کربلا منشی‌حضور که‌مامور تنظیم اوراق این‌سفرنامه وچاپ‌آن بوده است مقدمه‌ای منشیانه نوشته و ازسادگی بیان شاه باین عبارات عذرخواسته است : « آنها که برمراتب کمالات علمیه و کلمات جامعه‌ونشر فیض وبسط‌فضل وعوارض خاطرهمایونی‌واقفندسادگی‌عبارت روزنامه راکه‌از زواید پیراسته و فقط بذکر حالات حسنه و حرکت و سکون اردو حصر شده برحسن ایجاز کلام وتقریب ادراکات عوام محمول دارند .»

در زمان ناصرالدین شاه درباریان‌به‌پیروی‌از پادشاه اغلب بنوشتن‌سفر نامه پرداخته اند و شاید اگر مجموع سفر نامه های این دوره جستجو و منتشر شود هم از لحاظ مسائل و نکات تاریخی و جغرافیائی و همم از نظر مطالعه تحول و تکامل انشای فارسی فواید بسیار داشته باشد . از جمله این سفر نامه ها سفرنامه فرخ خان امین الدوله سفیر ایران در انگلستان است که پس از سال ۱۲۷۴ قمری باین سمت مامور شده‌و سفرنامه انگلستان میرزا خانلرخان اعتصام الملك‌در۱۲۸۱ و سفر نامه قائنات اوست که حاوی نکات بسیارمفیدست و هیچیك هنوز انتشار نیافته است .

اسلوب سفرنامه نویسی درآثار ادبی بعضی از نویسندگان اواخردورهٔ ناصرالدینشاه واوایل‌مشروطیت نیز تاثیر کرد ونویسندگان معروفی آثار ادبی واجتماعی خود را بصورت سفر نامه نوشته که از آنجمله سفرنامه ابراهیم بیك تألیف زین‌العابدین مراغه‌ای ومسالك المحسنین‌طالب زاده تبریزی را باید نام برد وما بجای خود از این دو کتاب گفتگو خواهیم کرد .

۲ـ روزنامه نویسی

نخستین روز نامه که آنرا در اوایل یا از روی ترجمه لفظ انگلیسی News paper کاغذ اخبار ویاگازت میگفتند دردوره محمد شاه تأسیس شد و مؤسس آن همان میرزا صالح شیرازی است که فن طبع را در انگلستان

آموخته بود وطلیعهٔ روزنامه خود را در عشر آخر رمضان المبارک ۱۲۵۲ انتشار داد وسپس اولین شماره این روزنامه بطور مرتب سه ماه بعد یعنی از ۲۵ محرم ۱۲۵۳ منتشر شد. این روزنامه دوامی نیافت وتعطیل گردید و پس ازآن میرزا تقی خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ روزنامه وقایع‌اتفاقیه رامنتشر کرد واولین شماره آن که عنوان « روزنامچه تهران » داشت روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ انتشار یافت واز شماره دوم «روزنامه وقایع اتفاقیه» بآن داده شد .

در اینجا غرض ازذکر تاریخ روزنامه نگاری که خود فنی مستقل و مستلزم بحث طویلی‌است نمیباشد اما ازدوجهت ناچاربابد بعضی از روزنامه هارا ذکر کرد : یکی بسبب تأثیری که روزنامه در اسلوب نثر نویسی داشته است ودیگر ازاین حیث که بعضی‌از روزنامه‌هابمسائل ادبی واجتماعی وعلمی پرداخته ودر واقع ناشر آثارادبی ایران‌در دوران اخیر بوده‌اند ودر نهضت فکری‌ایران تأثیر بسیار داشته اند

از جمله روزنامهای نخستین که بمسائل ادبی وعلمی توجه‌داشته‌اندیکی روزنامه علمی است که در سال ۱۲۹۷ هجری تاسیس شد و شامل مقالات و مطالب علمی از ریاضیات وفیزیك وشیمی وغیره بود . دیگر روزنامه مریخ که تاریخ تأسیس آن ۱۲۹۶ است ودر باره علوم نظامی بحث میکرد و مطالب تاریخی خاصه تاریخ جنگهای بزرك را نیز حاوی بود . این روز نامه در نخستین شماره منظور وغرض خود را چنین بیان کرده است

«این روزنامه مریخ حاوی وقایع رسمیه نظامی عساکر دولت علیه ایران وترجمه تلگرافهای رسمیه دول‌وجامع بعضی فصول مرتبط بانتشار علوم متداوله در فرهنگستان وبرخی مطالب که راجع بمدنیت وحقوق ایرانیت است میباشد ودر ذیل تاریخ قیاصره روسیه الکبری که تاکنون بزبان فارسی ترجمه نشده و در خاتمه جنك آخر که مابین دولتین روس و عثمانی رو داده مسطورست»

دیگر از این جمله روزنامه ناصری است که در تبریز منتشر میشد و تاریخ تأسیس آن ۱۳۱۱ هجری‌است ودر سر لوحه آن چنین نوشته‌شده بود. «این روزنامه مطلقاً ازمطالب دولتی وپلتیك داخله واموری که باین دو فقره مدخلیت داشته باشد سخن نخواهد راند ومقصودکلی از طبع‌ونشر انتشاربرخی مطالب مربوط بعلوم وتمدن وتجارت است که اطلاع برآنها موجب نتایج حسنه خواهد بود .» این روزنامه شامل مقالاتی ازقبیل «درفواید علم» و«مدنیت» و«تصحیح اخلاق» ونظایر آنها بود وسیاحتنامه معروف استانله که‌جداگانه‌نیز

چاپ شده است در پاورقی آن انتشار مییافت

دیگر روزنامه تربیت است که صاحب امتیازآن محمدحسین خان‌فروغی ملقب بذکاء الملك بود . این روزنامه ازآغاز سلطنت مظفرالدینشاه تاسیس شد و شمارهٔ اول آن در یازدهم شهر رجب سنه ۱۳۱۴ هجری انتشار یافت . محمد حسین خان‌فروغی که ادیب و نویسندهٔ قابلی بود کتابهای متعدد از زبان فرانسه بفارسی ترجمه کرد و روزنامهٔ تربیت شامل مقالات ادبی و اشعار بسیار بود و پاورقی‌های جالب در میان علوم جدید و ترجمه احوال بزرگان دنیا داشت که از آنجمله است:اختراع فن طبع ،ترجمهٔ‌حال گوتنبرك،تعریف‌تربیت- مفتاح العلوم تالیف نیرالملك وزیر علوم- ترجمه حال بوفن ،شرح‌حال برنارد پالیسی ،ترجمه حال پاستور و دنی پاپن و گالیله و نیوتن و فرانسوا آراگو - جغرافیای ایران - کلبهٔ هندی - سفر دور دنیا وغیره .

اما روزنامه هائیکه دررهبری ذهن ایرانیان درمسائل‌سیاسی واجتماعی موثر بود و موجب نهضت های اجتماعی گشت بیشتر روزنامه هائی بود که‌در خارج ایران انتشارمی یافت .

از جمله این روزنامه ها یکی اختر بودکه گویا نویسندهٔ آن زین- العابدین مراغی بوده است و از سال ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۹ در اسلامبول انتشارمی یافته -دیگر روزنامه حبل‌المتین چاپ کلکته که‌در ۱۳۱۰تاسیس شد وروزنامه ثریا در قاهره که از ۱۳۱۵ انتشار یافت و روزنامهٔ قانون که در سال۱۳۰۷ قمری در لندن انتشار می یافت و از مطالب آن بنظر میآیدکه ارگان‌جمعیت آزادیخواهی موسوم به «آدمیان» بود و شامل انتقادهای بسیار شدید از وضع حکومت و اصول اداری و قضائی ایرانست .

شعار این روزنامه که ناشر و نویسنده آن «پرنس میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» بود سه کلمهٔ «اتفاق ، عدالت وترقی» بوده است. قیمت اشتراك این روزنامه در شماره اول و دوم ۲۰ قران نوشته شده و در شماره سوم به «يك‌ذره غیرت» تنزل یافته ،در شماره ٤ به «يك ذره شعور» و در شماره ۵ به «فهم کافی» رسیده و از شماره شش تا ۹ این امتعه را بیك لیره انگلیسی تسعیر کرده اند .

باری این روزنامه ها موجب بیداری ذهن ایرانیان مستعد شد و زمینه را برای انقلاب مشروطیت‌درایران آماده کرد . از آغاز دورهٔ مشروطه شماره روزنامه هائی که در مسائل‌سیاسی و اجتماعی بحث کردند و شامل انتقادهای تند و شدید در این قسمتها بودند افزونی گرفت و جای آن نیست که از يك

يك آنها نام ببريم. اما از تذكار نام روزنامهٔ معروف صوراسرافيل كه از ربيع الاخر سال ۱۳۲۵ يعنى يكسال پس از صدور فرمان مشروطيت آغازشد، نمى توان چشم پوشيد . مديران اين روزنامه از آغاز ميرزاجهانگيرخان شيرازى شهيد و ميرزا قاسم خان تبريزى بودند و ميرزا على اكبر خان دهخدا زير عنوان «چرند پرند» و بامضاى دخو در آن مقالات انتقادى منتشر ميكرد كه شهرت بسيار يافتو موجب تاسيس مكتب خاصى در سبك نثر نويسى فارسى شد كه چنانكه بعد خواهيم ديد تا امروز ادامه دارد و بجاى خود از آن گفتگو خواهيم كرد

اين روزنامه پس از شهادت ميرزا جهانگيرخان تعطيل شد و سپس از طرف دهخدا در ايوردون سويس بتاريخ محرم ۱۳۳۷ مجدداسه شماره از آن انتشار يافت .

ديگر از روزنامه هاى صدر مشروطيت كه جنبهٔ ادبى داشته روزنامه «تياتر» بمديريت ميرزا رضا خان نائينى طباطبائى است كه شمارهٔ نخستين آن در ربيع الاول ۱۳۲٦ منتشر شد و انتقادات سياسى و اجتماعى را بصورت تياتر انتشار ميداد . «تياتر شيخ على ميرزا حاكم ملاير و تويسر كان و عروسى او با دختر شاه پريان» موضوع اصلى يازده شماره اين روزنامه است كه من ديده ام و نميدانم كه از آن ببعد نيز ادامه يافته يا دچار تعطيل شده است .

از اين تاريخ ببعد روزنامه ها بيشتر باخبار و سياست ميپرداختند و اگر از چند نامه هفتگى مانند «نوبهار» و «طوفان» بگذريم در روزنامه هاى ديگر جنبهٔ خاص ادبى كم بوده است .

روزنامه طوفان هفتگى نيز كه در سال ۱۳۰٦ شمسى در تهران بمديريت مرحوم فرخى يزدى منتشر ميشد از اينجهت قابل ذكر است.

مجلات

مجلات ادبى محض بسيار دير تر از روزنامه در ايران بوجود آمد. اگر از بعضى روزنامه ها و مطبوعات مرتب كه جنبهٔ ادبى در آنها غلبه داشته بگذريم نخستين مجله ادبى را مجلهٔ بهار بايد دانست كه در سال ۱۳۲۰ قمرى تاسيس شد . موسس اين مجله يوسف اعتصامى (ملقب باعتصام الملك) بود و از مطالب آن كه بيشتر بقلم خود مدير مجله تهيه ميشد تراجم احوال مشاهير - قطعات ادبى - ترجمه اشعار اروپائى - داستانهاى كوتاه و مقالات اخلاقى و اجتماعى بود.

مجلهٔ بهار در ترويج انواع جديد ادبيات خدمت بزرگى انجام داد اما پس از يك سال دچار تعطيل گرديد و فقط پس از ده سال يعنى در ۱۳۳۹ قمرى دورهٔ دوم آن آغاز شد . تاثير اين مجله در نويسندگان و شاعران جوان بسيار بود .

اسلوب انشاى مرحوم اعتصامى كه بسيار سهل و ساده و گاهى مانند نثر زبانهاى اروپائى آهنگ دار و مهيج بود سرمشق بسيارى از نويسندگان ايرانى قرار گرفت .

بسيارى از قطعات اشعار شعراى اروپا كه نخستين بار در اين مجله ترجمه و منتشر شد توسط شعراى عصر بنظم در آمد و از اين راه در تغيير اسلوب شعر فارسى تاثير كرد . از جمله اينگونه قطعات ترجمه منظومهٔ پادشاه و جام اثر شيللر را ميتوان نام برد كه ايرج ميرزا آن را بنظم آورد و چند قطعه ديگر كه موضوع منظومه هاى پروين اعتصامى شده است . قطعات كوتاه ادبى كه بيشتر ترجمه اشعار اروپائى بود و در اين مجله چاپ ميشد اغلب سبب تازگى مضمون و مطالب مورد توجه واقع ميشد و نوشتن قطعات اشعار منثور بتقليد آنها در زبان فارسى رواج گرفت ، اگر چه در اين شيوهٔ نمونه هاى عالى و درخشانى بوجود نيامد .

پس از تعطيل بهار مجله ادبى ديگرى بنام دانشكده در سال ۱۳۳٦ در تهران تاسيس شد كه در ادبيات معاصر فارسى تاثير بسيار داشت. اين مجله ناشر آثار انجمنى بود كه در ۱۳۲٤ تاسيس شد و نخست جرگه دانشورى نام داشت و سپس نام آن بدانشكده تبديل يافت .

در سر لوحهٔ اين مجله زير عنوان «مرام ما» نوشته شده بود كه «مجله دانشكده براى ترويج روح ادبى و تعيين خط مشى جديدى در ادبيات ايران ايجاد ميشود - اين مجله را دانشكده ايجاد ميكند » بند اول مرام اين انجمن «تجديد نظر درطرز و رويه ادبيات ايران » بود « بر روى احترام اسلوب لغوى و طرز اداى عبارات اساتيد متقدم ، با مراعات سبك جديد و احتياجات عمومى حال حاضر...»

آرزوى انجمن در اين عبارات كه قسمتى از همان مرامنامهٔ شماره اول دانشكده است بيان شده بود : «...اميد ميرود كه يك نمونه اى از روح نوين ادبيات قرن بيستم كه ميرويم تازه فوايد آن را دريابيم ، بر روى بنيان محكم زبان فارسى و حفظ لغات زنده و شيرين و امثال و يادگارهاى تاريخى اين لسان نمكين بهموطنان ادب دوست و اديب نواز خود تقديم داريم. »

مؤسس و مدیر مجله دانشکده ملک‌الشعراء بهار بود و از همکاران او که بیشتر آثارشان در این‌مجله منتشر میشد عباس اقبال - رشید یاسمی - سعید نفیسی - سید رضا هنری - ذره - جعفر خامنه‌ای و رضا کمال شهرزاد رامیتوان نام برد .

مقالات مسلسلی در باره تاریخ ادبیات ایران بطور منظم و دقیق واگر چه باختصار و مقالات متعدد در باره تاریخ ادبیات فرانسه و شرح و تفصیلی از جریان تحولات وانقلابات ادبی در کشورهای اروپائی نخستین باردرمجله‌دانشکده انتشار یافت و دز ادیبان ایرانی تاثیر بسیار کرد .

اما با آنکه مجله دانشکده مورد توجه جوانان صاحب ذوق ایران بود بیش از یك سال دوام نیافت و ملك‌الشعرای بهار مدیر آن چند سال بعد نامهٔ نوبهار را که مدتی تعطیل بود هفتگی‌انتشار داد. نوبهار هفتگی که در سال ۱۳٤۱ قمری مطابق ۱۳۰۱ شمسی منتشر شد اگر چه حاوی مقالات سیاسی و اجتماعی و اخبار نیز بود همان شیوه دانشکده را دنبال کرد و در شماره های آن مباحث ادبی و تاریخی و ترجمهٔ داستانها و اشعار اروپائی و قطعات‌نظم و نثر فارسی بسبکهای‌تازه منتشر گشت .

از مجلهٔ ارمغان نیز در اینجانام‌باید برد که مدیر آن وحید دستگردی بود و در بهمن ۱۲۹۸تاسیس شد و هفده سال دوام یافت .این مجله‌بشعر بیشتر توجه داشت و در اسلوب شاعری بر حسب ذوق و سلیقهٔ مدیر آن محافظه‌کار بود و در تحول اسالیب ادبی باندازه مجلات بهار و دانشکده و نوبهارهفتگی مؤثر نبوده است .

مجلهٔ آینده بمدیریب دکتر محمود افشار که در تیرماه ۱۳۰٤ آغاز شد و دودوره‌انتشار یافت و در این سالهای اخیر نیز دورهٔ سوم‌آن بوجودآمدنیز محل انتشار آثار گروهی از نویسندگان جدیدبود .

مجله شرق بمدیریت محمد رمضانی وسر دبیری سعید نفیسی که یك سال دوام یافته و مجله مهر که از خرداد ۱۳۱۲ بمدیریت مجید موقر تأسیس شده وپنج دوره انتشار یافت ومجله کاوه که در هنگام جنك بین الملل اول در برلن منتشر میشد ومجله ایرانشهر که آن نیز در برلن انتشار میافت خاصه در ترویج آثار نویسندگان اروپائی وایجاد افکار واسالیب تازه در ادبیات فارسی تأثیر بسیار داشته‌اند. اگر از اطاله کلام بیمی نبود سزاوار مینمود که در باره مطالب ومندرجات این مجلات وبعضی ازمجله های ادبی دیگر مانند مجله‌تقدم وآرمان وندای قدس که در تهران منتشر میشد وسپیده‌دم وبازارگاد که درشیراز انتشار میافت وفروغ وفرهنك که محل انتشار آنها رشت بود و بعضی مجلات دیگر که هریك در حدود خود دارای مزایائی بوده اند بتفصیل بیشتر گفتگو کنم . اما وقت تنك وهنوز مطالب گفتنی بسیارست وهمینقدر باید این نکته‌را در بارهٔ مطالب ومندرجات مجلات ادبی یادآوری کرد که شوق وعلاقه بتجددو تنوع‌واقتباس انواع جدید ادبیات اروپائی‌در مجلات نخستین بیشتربود وبتدریج تتبع وتحقیق تاریخی وادبی در باره ادبیات قدیم فارسی رواج یافت وذوق‌ایجاد وابداع را تحت شعاع گذاشت چنانکه بسیاری از نویسندگان وشاعران از سال های ۱۳۱۰ ببعد وقت وهمت خود را باینگونه تحقیقات مصروف داشتند واگر چه بعضی آثار برجسته در رشته تحقیقات ادبی بوجود آمده وگوشه هائی از تاریخ ادبی ایران در اثر این کوششها روشن شده است باید گفت که رواج بازار این رشته از لحاظ متروك گذاشتن ذوق ابداع زیان آور بوده است

نکته مهم دیگری که قابل ذکر است اینکه توجه ادیبان واهل قلم به تحقیقات ادبی در سالهای اخیر نتیجهٔ مقتضیات سیاسی‌واجتماعی کشور بوده‌است، نبودن آزادی وسانسور شدید مطبوعات در دورهٔ دیکتاتوری گذشته بحدی بود که اشعار تغزلی را نیز شهربانی سانسور میکرد وادارهٔ راهنمای روزنامه نگاری بشاعران دستور میداد که اشعار غم انگیز نسرایند . در آن دوران سیاه که اظهار خشنودی و رضایت اجباری از وظایف افراد ایرانی شمرده میشد و باصطلاح روزنامهای زمان همه وظیفه داشتند که نسبت بقائد بزرگوار خود «ابراز احساسات» کنند حتی عاشق از معشوق حق ناخرسندی وگله نداشت.

باین سبب تحقیقات ادبی وتاریخی وآنچه بگذشته مربوط میشد آنهم بطریقیکه هیچگونه حکم وقضاوت ونظری از طرف نویسنده اظهار نشودکه باسیاست زمان ناسازگار باشد سالمترین کارها بود .

همین قیود ومشکلات بتدریج ذوق هنر را در ایرانیان‌خاموش کرد و مجلهٔ مهر که چندی باقیود اداره شهربانی واداره‌راهنمای روزنامه نگاری می ساخت آخر الامر در ۱۳۱۷ شمسی تعطیل گردید ومدت سه چهار سال تابعداز شهریور ۱۳۲۰ مجلهٔ ادبی در سراسر ایران وجود نداشت وفقط مجلهٔ دولتی «ایران امروز» که مدیر آن مورد اعتمادشهربانی‌بود جانشین مجلات پر شور سابق شده ضمن چاپ عکسهای تبلیغاتی بعضی‌از مقالات ادبی واجتماعیرا نیزبا مراقبت بسیاری درج‌میکرد.

پس از واقعه شهریور مجلات متعددی بوجود آمد . از آنجمله مجله سخن که بادبیات جدید میپردازد وانواع‌تازه ادبی را از نظم‌ونثر انتشار میدهد

ودر واقع ناشر آثار نویسندگان وشاعران جوانست . ومجله یادگار که بیشتر بتحقیقات تاریخی وتتبعات ادبی اختصاص دارد ودورهٔ جدید مجلهٔ آینده که‌جنبه سیاسی واجتماعی آن غالب است ومجلات راه نو وبانو وبیداری ما وغیره که هریك مرام وشعاری جداگانه دارند وبادبیات کمتر میپردازند .

ترجمه

ترجمه از زبانهای اروپائی مقارن ایجاد چاپخانه در ایران شروع شده بود، امارواج ورونقی نداشت. ازجمله کتابهائیکه ظاهراً پیش ازجلوس ناصرالدین شاه ترجمه ومنتشر شده بود تاریخ پطر کبیر وشارل دوازدهم و اسکندر کبیر ورساله آبله کوبی را میتوان نام برد . در سلطنت ناصرالدینشاه بسبب تأسیس مدرسه دارالفنون وآوردن معلمان اروپائی خاصه فرانسوی وافزوده شدن‌شماره خوانندگان که‌در مدرسه دارالفنون تحصیل کرده بودنداز‌یکطرف‌و‌توسعه‌صنعت چاپ ازطرف دیگر بررواج فن ترجمه افزود

نخستین کتبی که از زبانهای اروپائی ترجمه میشد بیشتر تواریخ و کتب جغرافیا ورسائل علمی بود که برای تدریس در مدرسه دارالفنون بکار میرفت و بفرمان‌امیر کبیر در دارالفنون مطبعه خاصی‌تأسیس‌شدتاکتب‌علمی راکه‌بوسیله معلمان اروپائی ومترجمان ایشان بزبان فارسی تهیه می شد در همان جا طبع کنند

بتدریج احتیاج بترجمه‌آثار علمی‌وادبی بیشتر احساس شد ودروزارت علوم علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه اداره ای بعنوان «دارالطباعه‌ودارالترجمه خاصه همایونی» تأسیس گردید که ریاست آن بامحمد حسن خان صنیع الدوله بود ودر این دار الترجمه بتدریج بنقل آثار ادبی‌کشور های اروپائی خاصه ادبیات فرانسه‌پرداختند. ترجمهٔ نمایشنامه‌هاوداستانها بسیارمورد اقبال‌خوانندگان ایران واقع‌شده

داستانهائیکه از زبانهای دیگر ترجمه میشد خاصه بسبب تازگی و تنوع وهنرمندیکه درنقل روایات بکاررفته‌بود سالها یگانه وسیله تفنن وتفریح ایرانیان بود ونسخه های آنها دست بدست میگشت واز سالخوردگان شنیده ام که در شبهای زمستان خانواده های دوستان‌گرد هم جمع میشدند و یکی از ایشان ترجمهٔ‌کتابی مانند الف لیل وکنت منت کریستو را بصدای بلند میخواند ودیگران سراپاگوش میشدند .

رغبت واحتیاج عموم بافسانها وداستانها موجب تشویق مترجمان‌میشد

از میان روایات وداستانهای نخستین که بفارسی ترجمه شده است ترجمه هزار ویك‌شب‌رانام‌باید برد . این کتاب که اصلا از آثار ادبی ایران پیش از اسلام است ودر دورهٔ اسلامی باتصرفاتی بعربی نقل شده است‌تادوران سلطنت‌قاجاربه بفارسی ترجمه نشده‌واگر شده بود رواج وشهرتی نداشت .

در زمان محمد شاه بفرمان بهمن میرزا فرزند نایب السلطنه عباس میرزا کتاب الف‌الیله توسط میرزا عبداللطیف تسوجی تبریزی بفارسی ادیبانه واستادانه‌ای ترجمه شد وشمس الشعرا سروش اصفهانی مأمور شد که در مقابل اشعار عربی متن ابیات فارسی بجوید ویا آنها را به شعر فارسی ترجمه کند .

مترجم هزار افسان در زبان فارسی حسن ذوق واستادی تمام داشته و نثری متین واستادانه ودر عین حال شیرین وشیوا دارد . سبك انشای ترجمه الف الیله بعدها در اسلوب نثر نویسی فارسی تأثیر بسیارکرد ومترجمان حاجی بابا وژیل بلاس وبوسهٔ عذرا در تلفیق عبارات واسلوب بیان از آن متأثر شدند .

دیگر ازنخستین ترجمه هائیکه موجد سبك خاصی‌در نثر فارسی‌معاصر شده است ترجمه تمثیلات یانمایشنامه های میرزا فتحعلی‌آخوند زاده است . اصل این نمایشنامها را آخوند زاده در سال ۱۲۶۶ در تفلیس نوشته تادر تئاتریکه عبارت آن بفرمان کنیاز وارنسوف فرمانفرمای قفقاز برپا شده بود نمایش داده شود . مترجم فارسی این نمایشنامها میرزا جعفر قراچه داغی‌است که در۱۲۸۸ قمری بترجمه آنها پرداخته ونخست دو قطعه از آنها را چاپ نمود و چون مورد اقبال‌عمومی مرار گرفته بود در سال۱۲۹۱قمری مجموعهٔ آنهاراکه‌شامل پنج نمایشنامه است بطبع رسانیده است .

ظاهراًاین مجموعه نخستین نمایشنامه هائیست که بنثر فارسی نوشته‌شده ومیرزا جعفر قراچه داغی در مقدمه آن شرحی از فوائد تآتر و تأثیر آن در تهذیب اخلاق عمومی نوشته وسپس در باره اسلوبیکه‌در ترجمه پیش‌گرفته چنین توضیح میدهد : «صرف‌نظراز فوائد عامه‌که از قول‌مصنف در ترجمه عرض خواهد شد فائده خاص را نیز در این ضمن مراعات‌کرده برخلاف سلیقه چیز نویسان قدیم از قید عبارات مغلقه و الفاظ مشکله رهانیده بزبان عوام و سخنان روان وکلمات مانوس وعبارات معروف این‌کتاب مستطاب رانوشته‌با تمام رسانید که بیسواد وباسواد هردو بخواندن وشنیدن از فوائد آن بهره‌مند شوند واطفال مظلوم که همیشه برای یادگرفتن هجی در ورطه عبارات مغلق

مستغرق و گرفتارند بخواندن این کتاب که بزبان آنها گردیده آنچه میخوانند ومیاموزند معنی آنرا نیز فهمیده بصیرت وروشنائی حاصل کنند ...»

سپس در همین مقدمه بکاتب وناقل (که منظور از آن بازیگر نمایش است) چنین دستور میدهد : «مقصود از تحریر فن تئاتر بیان هیئت متکلمین است بطور مکالمه واظهار بعضی صداهاست که حین تکلم بخلاف املاءتحریری آن لفظ از دهن بیرون میآید از قبیل : «واسطه» که «واسه» و «بردار» که «وردار» و «باز» که «وا» وغیره وغیره گفته میشود . پس کاتب این فن شریف هرچه ازاین قبیل الفاظ راحین کتابت مراعات کند وصداهائیکه هرگز رسم نیست درکتابها بنویسند جمیع آنهارا برشته تحریر بکشد مطلوبترخواهد شد مثل : واه ، به ، ایه، آخ» .

باینطریق نخستین بار باترجمه نمایشنامه بزبان فارسی شیوه تازه‌ای در اسلوب نثر نویسی بوجود آمد که بکار بردن اصطلاحات عوام واسلوب‌مخابره در نوشتن بود واز این نمونه بخوبی معلوم میشود که احتیاجات اجتماعی تا چه حددر تغییر وتحول اسالیب‌بیان موثرست.

دیگر از مترجمین اولیه حاجی محمد طاهر میرزا فرزند اسکندرمیرزا پسر عباس میرزا است که کتاب کنت‌منت کریستو رابامر ناصر الدینشاه ازفرانسه بفارسی ترجمه وتحریر کرده است وچنانکه خود مینویسد « خالی از تکلفات منشیانه است که هر خواننده بدون زحمت نفعی میبرد» ترجمه این کتاب در ۱۳۰۹ در تبریز شروع شده ودر محرم۱۳۱۰ درکرمان بپایان رسید ودوسال بعدیعنی در ۱۳۱۲ هجری قمری در تهران چاپ شده است .

این محمدطاهر میرزا مترجم رمانهای‌متعدد دیگری است که همه بسیار شهرت ورواج یافته ومورد قبول عامه واقع شده‌وازمعروفترین آنهاکتاب «سه تفنگدار» از آثار الکساندر دومای اول نویسنده فرانسوی است

اکنون که گفتگو از مترجمین بمیان آمد سزاوار است که از مترجم هنرمند وزیر دست حاجی بابا بتفصیل بیشتری صحبت کنیم . مؤلف این کتاب چنانکه معروفست جیمس موریر انگلیسی است .اماحاجی بابا نام افشاری نیز وجود داشته که در انگلستان تحصیل طب کرده وباسرجان ملکم دوستی داشته ومیرزا صالح بیك در سفرنامه خود از اوگفتگو میکند و در مراجعت بایران معاون طبیب انگلیسی عباس میرزا وسپس حکیمباشی محمد میرزا ولیعهدبوده است . بعضی از نویسندگان معاصر ایرانی در اینکه جیمس موریر بتنهائی و مستقلاکتاب حاجی بابا را نوشته باشد شك کرده‌اند وبهر حال برای اینکه‌رشته سخن راکوتاه کنیم باید گفت که بسیار بعید بنظر میآید که یك خارجی بتواندتا این‌درجه بروضع اجتماعی وجزئیات آداب ورسوم ملتی احاطه حاصل کند واگر نویسنده اصلی جیمس موریر باشد بیشك یکی از ایرانیان زیرك و دانشمند با او همکاری کرده است . اما در این جاگفتگو از ترجمه فارسی کتاب حاجی باباست .

نخستین‌بار ترجمه حاجی‌بابا تاآنجاکه بنده اطلاع دارد در سال۱۹۰۵ ۱۳۲۳ قمری یعنی یك سال پیش از اعلام مشروطیت توسط ماژور فیلوت در کلکته بچاپ رسید .

ماژور فیلوت که پیش از این‌تاریخ کنسول انگلیس در کرمان بوده ونسخه ترجمه حاجی بابا را در آن شهر بدست آورده درمقدمه‌ایکه‌بانگلیسی بر این چاپ نوشته مترجم را چنین معرفی میکند : حاجی شیخ احمدکرمانی پسر احمد ملامحمد جعفر پیش نماز ، علوم عربی وادبی را در اصفهان با میرزا آقا خان‌کرمانی خوانده وسپس برای تحصیل انگلیسی وفرانسه و ترکی در سال ۱۳۰۵ قمری باسلامبول رفته ودر این‌شهر بکمك میرزا حبیب شاعر اصفهانی که همکار روزنامه اختر بوده چندکتابرا از فرانسه وانگلیسی بفارسی ترجمه کرده که ازآنجمله حاجی بابا وژیل بلاس است

شرح‌حال شیخ‌احمد روحی کرمانی ومیرزا آقاخان که‌بجرم‌آزادیخواهی ووطن پرستی درخاك عثمانی متحمل حبس و سختیهای بسیار شدند درازست و اینجا مجال ذکر آن نیست . سرگذشت غم انگیز ایشان یکسال پس از کشته شدن ناصر الدین شاه یعنی در سال ۱۳۱٤ قمری بقتل فجیع آن دو در تبریز ختم میشود .

فیلوت میگوید : «وقتیکه نسخه ترجمهٔ شیخ احمد بمولدش رسید آن را اثر قلم خود او تصور کردند وباشور وشوق تمام از آن نسخه برداشتند و نسخه های آن دست بدست میگشت . در شیراز واصفهان هم ترجمه حاجی‌بابا بسیار مورد استقبال‌قرار گرفت. زیرا اولین رمانی بود که‌تاآنزمان بزبان‌فارسی نوشته‌شده بود . شهرت این کتاب روزافزون بودتانسخه‌انگلیسی حاجی‌بابا ازهند برای من رسید وازآن پس علاقه ایرانیان باین کتاب‌کاسته‌شد و گفتند: «فرنگی توی‌کوك مارفته» ناشر این کتاب رونویسی از روی نسخه اصل که مترجم‌بشهر خود فرستاده بوده‌بدست آورده که در آن افتادگیها واغلاط کتابت وجودداشته وناشر بکمك جمعی از ایرانیان بوسیله مقابله با نسخه انگلیسی آنرا تصحیح کرده است .»

فیلوت مینویسد که در همان‌هنگام چاپ این‌نسخه، در مطبعه حبل‌المتین

مشغول چاپ دیگری از ترجمه حاجی بابا بوده‌اند که ناشر وطابع آن تصرفاتی در عبارات کرده و خود بوی گفته اند که نسخهٔ ایشان با اصل اختلاف بسیار خواهد داشت •

ترجمه کتاب حاجی بابا چنانکه در نسخهٔ فیلوت هست بسیار استادانه و ادبی است وبهترین نمونه نثر جدید فارسی بشمار میرود • باوجود اغلاطی که در متن راه یافته‌وحدس زدن درست آنها مشکل نیست عبارات درکمال استحکام است • اگر گاهی عیب ونقص جزئی صرف ونحوی در عبارات دیده می شود بقیاس اسلوب بیان وملاحظه استادی وفضل نویسنده گناه کاتب و ناشر بنظر میآید •

این نویسنده زبردست باآنکه بمناسبت موقع اصطلاحات والفاظ عامیانه مناسب هرصنف‌وطبقه‌را باهنرواستادی تمام بکارمیبرد درترکیب عباراتش همان اسلوب متین و مستحکم بهترین نمونه های نثر قدیم را حفظ میکند . مقلدین اسالیب قدیم ، از جمله کسانیکه شیوه گلستان سعدی را پیروی کرده اند اغلب خود را جز مقلد نشان نمیدهند و مقتضیات زمان و احتیاجات جدید را عموماً کمتر در نظر گرفته‌اند • فقط مترجم کتاب حاجی باباست که توانسته است راز فصاحت را دریابد وسبکی ایجاد کند که درعین رعایت متانت وانسجام برای بیان مقصود در تنگنا نیفتد ودست وپای فکر واندیشه‌را باقیود لفظی نبندد •

این استادی در تعبیر بیشك نتیجه تبحر نویسنده در لغات ودقت او در ضبط اصطلاحات والفاظ معمول طبقات مختلف است. اما لطف ذوقی نیز لازم است تا معًانی را چنین با الفاظ پیوند بدهد وعباراتی چنین زیبا ومتین به وجود بیاورد •

مترجم از این لطف طبع بهره کافی دارد ومن برای اثبات درستی این عقیده برهانی بهتر از نقل چند سطر از ترجمه حاجی بابا نمیتوانیم بیابم :

«چون نوبت بسومین رسید گفت : اگر چه نقالان‌را عادت آنست که رشته سخن را دراز سازند اما من افسانه خود را مختصر میسازم . من پسر مکتبداریم •

چون قوت حافظه وقدرت لافظه‌ام را دیداز افسانه‌وحکایاتیکه درفارسی بیش از هر زبان است بیشتر را بمن آموخت وازبر گردانید. چون گنجینه سینه را از نقود این هنر مالامال وبخرج وصرف مستعد وقابل شدم لباس درویشی‌و سخنوری در بر ، بمیان مردم بلکه بجان مردم افتادم • پیشهٔ معرکه بندی وسخن وری ونقالی پیش گرفتم • در اوایل مردم مرا چسبیده کار دیدند نقلهایم‌را گوش میکردند واز زیر بار «شی الله» میجستند اما رفته رفته چکیده کار شدم پس با چکیدگی کار تلافی همهٔ مافات‌را کردم. در بزنگاه قصه‌میآیستادم ومیگفتم حضرات هرکرا مهر علی در دل است دست بجیب کند : میکردند پس میگفتم‌حضرات هرکه دست بریدهٔ عباس علی را دوست دارد چیزی از جیب بیرون آورد :می آوردند در آخر میگفتم هرکه ولد الزنا نیست آنچه از جیب درآورده بمیان معرکه اندازد : کم‌آدم‌بود که نیندازد • بدین منوال‌هر روز مبالغی میاندوختم بزنگاه قصه را نیك میدانستم که مردم تشنه کدام فقره‌اند : هم درآنجار یششان را بچنك میآوردم • مثلا در افسانه شاهزاده ختابا دختر پادشاه‌ختن چون بدین جا میرسیدم که با ... هراهر تکاوران وهزاهز دلاوران وخشخشهٔ باد پایان و همهمهٔ پهلوانان وجمجمه اجیاد وغمغمهٔ اجناد وقعقعهٔ سلاح وصمصمهٔ رماح غول هزار فن باهزار شاخ هزارگز دهن باز کرده است وشهزاده را بردهان گرفته است وبانو زانو برزمین دست برهوا اشك از دیده ریزان خاك برسر بیزان و خدم وحشمش اسلحه ویراق را ریخته‌اند ومانند برك بید لرزان وهراسان گریخته‌اند برق میدرخشد و رعد میغرد باد وزوز میورد غول کورو کورو کور میخروشد . می ایستادم ومیگفتم «اینك شی‌الله درویش برسد تا بگویم شاه زاده چگونه از کام غول رهائی یافت وچگونه غول را بایك ضربت گرز سر باش متل گنبد خشخاش خورد وخاش کرد.» تنبلان پای معرکه ودیوانگان نقل وافسانه از آن بیعاران نبودند که ناشنیده بروند منهم از آن نادرستان نبودم که برایگان روانشان سازم این بود که اکثر اوقات وعده نقل بزنگاه را بفردا می انداختم وکیسه سرمایه نقل را تهی نمیساختم • اکنونهم بدینمنوال از پهلوی بیعاران اسباب گذرانی بهم میبندم . وچون جیب وبغل بیعارانت شهری خالی می شود بشهر دیگر می روم : مصراع ، « بود تا ابله اندر دهر ، مفلس در نمی ماند •»

گفتگو در باره ترجمهٔ حاجی بابا را بسبب آن دراز کردم که بعقیده‌من قدر این ترجمه از بسیاری تألیفات بیشترست وباید آنرا یکی ازآثار مهم نثر فارسی در دورهٔ اخیر شمرد

دیگر از مترجمین زبردست پیش از مشروطه محمد حسین خان ذکاء الملك متخلص به‌فروغی است که روز نامهای اطلاع وتربیت‌را مینوشت ومعاون محمد حسن خان اعتماد السلطنه در اداره انطباعات ودارالترجمه دولتی بود . محمد حسین خان فروغی در نظم ونثر دست داشت اما با همه علاقه و ذوقیکه بسادگی انشاء اظهار میکرد اسلوب نثر او منشیانه ودنبالهٔ شیوه انشای دربار قدیم بود • از جمله کتابهائیکه اوترجمه کرده وبطبع رسیده ، سفرهشتاد روزه از آثار ژول ورن وکلبهٔ هندی ازآثار برناردن دو سن پیر وعشق و عفت که

ترجمه کتاب معروف شاتو بریان بعنوان «در نیرآبانسراژ» است وداستان ژرژ انکلیسی معروفست •

فروغی در ترجمه رمانها میکوشید که اسلوب معمول نثر فارسی را از دست ندهد وباین سبب آثار او در تحول نثر فارسی کمتر مؤثر شده است • بعلاوه برای آشنائی ذهن خوانندگان اغلب مقدمات مفصل برترجمه های خود می افزود چنانکه برترجمهٔ کتاب کلبهٔ هندی که در پاورقی روزنامه تربیت چاپ شده دو مقدمه نوشته است . مقدمه اول در فواید رمان وتأثیر آن در تهذیب اخلاق ومقدمه دوم در جغرافیای هندوستان بمناسبت آنکه محل واقعهٔ کتاب آن کشور بوده است این مقدمات گاهی زاید برمتن وبرای خوانندهٔ داستان ملال آور است . خاصهٔ که انشای آنها یادآور اسلوب کتب ادبی واخلاقی قدیم مانند کلیله و دمنه ومرزبان نامه واخلاق ناصری و امثال آنهاست . فروغی بپیروی این شیوه از آوردن مترادفات ودرازکردن مطلب احتراز نداشته است . برای نمونه بجاست که چند سطر از مقدمه کلبه هندی نقل شود :

« وبعد ، آدمیرا از دو راه آگاهی ومعرفت حاصل شود وبفیض بیش و بصیرت فایز گردد : یکی ار راه باطن وآن بواسطه پیروی احکام شرع شریف ودین حنیف است . یعنی اولا باحتراز از مناهی وپرهیز از ارتکاب معاصی و خطبات وترك رذایل ودنایاهرچه باشداز قبیل خبث وشیطنت وشرو میکدت وخوردن مال حرام و آزار واضرار اماجد و کرام واقدام بظلم واجحاف وتعدی واعتساف وتعرض بعرض وناموس وحقوق بندگان خدا وبردن دسترنج مسکینان بینوا و انواع فسق وفجور وبهتان وزور وغیر ها ـ ثانیاً از اقبال بطاعت و عبادت و اهتمام تام وتمام در نماز وروزه وسایر واجبات ومستحبات ومواظبت و مراقبت در اذکار واوراد وادعیه وفکر در آلاء ونعماء الهی ومواهب لایتناهی که سبب تذکر انسان بمبدء اعلی وقدرت وصنع حضرت باری جلا جلاله باشد •

راه دیگر دانش وایقان وعلم وعرفان واطلاع کامل از اوضاع عالم است وخبر از عوائد ورسوم امم وعقاید ومشارب متباینه وحالات گوناگون و اوهام وافهام شریف ودون که پس از احاطه بزشت وزیبا وفهم معیار و مقیاس افکار کامل وکانا وتدبر وتعقل وغور وتامل داند کجی وراستی چیست ؟ کج کدامست و راست کیست ؟ وما از آن حقائق ودقایق آنچه راکه داریم عزیز وگرامی می شماریم وهرچه را نداریم باید از هرجا که باشد بدست آریم تا گنجینه فضایل خویشرا کامل نمائیم وموزهٔ معارف مملکت را بیارائیم ولطایف حقه را برظرایف سابقه بیفزائیم»

دیگر از مترجمین مشروطه مرحوم علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و مرحوم عین الملك هویدا را باید نام برد که بترجمه رمانهای تاریخی علاقه داشتند وکتب بسیار از نویسندگان فرانسوی را ترجمه ومنتشر کردند

از جمله ترجمه هائیکه شهرت ورواج فراوان یافت کتابهای ژیل بلاس سانتیلائی تصنیف لوساژ فرانسوی و تلماك اثر فنلون وپل و ویرژینی وکلبه هندی از برناردن دوسن پیروطبیب اجباری از کمدیهای مولیررا نام باید برد . روی هم رفته ادبیات فرانسه بیش از هر کشور دیگر در ایران رواج یافته و بهمین سبب ادبیات جدید ایران بیش از همه جا تحت تأثیر ادبیات فرانسوی واقع شده است ، از جمله کتابهای دیگر که بفارسی ترجمه شد وسر مشق بعضی از نویسندگان ایرانی قرارگرفت ترجمه داستانهای تاریخی جرجی زیدان است که چون ایرانیان بامبانی تاریخی آن داستانها آشنا بودند بآنها علاقه بسیار نشان دادند. عروس فرغانه وروایت هفدهم رمضان وعباسه خواهر هارون الرشید از جمله این داستانها بود •

از اعلام مشروطه ببعد که مدارس جدید فراوان شد وایرانیان بآموختن زبانهای خارجی رغبت بسیار نشان دادند وگروهی از شاگردان ایرانی برای تحصیل باروپا رفتند کار ترجمه رونق گرفت وشماره داستانها ونمایشنامهائیکه از زبانهای فرانسه وانگلیسی وآلمانی وروسی وبعضی زبانهای دیگر بفارسی ترجمه ومنتشر شده بیش از آنست که حتی بتوان بذکر عنوان ونام مترجم آنها پرداخت . در سالهای اخیر نیز باوجود مشکلات زندگی وحوادث غیر مترقب و اضطرابیکه بسبب وضع سیاسی واجتماعی درایران حکمفرمابود شماره کتابهائی که بفارسی ترجمه وچاپ میشد روبافزایش بود واگرچه من آمار درستی دردست ندارم گمان میکنم که در هر ماه لااقل بیست کتاب ازاین نوع منتشر شده است اما در ترجمه های اخیر همیشه آندقت وهنر ومهارتی که اغلب مترجمین اولیه داشتند بکار نمیرود وبسیاری ازآنها سرسری وعجولانه است •

رمان نویسی

۱ـ رمانهای انتقادی اخلاقی واجتماعی

هدف نخستین رمانهائیکه در زبان فارسی نوشته شد انتقاد از وضع اداری واجتماعی ایران بود وطرح کلی این رمانها از سفرنامه های متعدد ناصر الدینشاه تأثیر پذیرفت وبصورت سفرنامه نوشته شد . از جمله این آثار دو کتاب رابابد نام برد که سالها مورد توجه ایرانیان بود و در بیداری ذهن مردم این کشور تأثیر مهمی داشت . یکی سفر نامهٔ ابراهیم بیك و دیگر مسالك المحسنین

سفرنامه ابراهیم بیك پیش از اعلام مشروطیت وبعد از آن مکرر در مصر وهندوستان وایران بچاپ سربی وسنگی بطبع رسید . نویسنده آن حاجی زین العابدین مراغی است که در اسلامبول میزیست ونویسنده روزنامه اختر بود ودر سال ۱۳۹۰ شمسی فوت کرد . این کتاب که عنوان کامل آن «سیاحت نامه ابراهیم بیك یابلای تعصب اوست» شامل سه‌قسمت است . اول ترجمه حال پهلوان کتاب یعنی ابراهیم بیك ازقول ناشردوم شرح سیاحتنامه سوم خاتمه کتاب بعنوان مختصری از بیانات یك دانشند ایرانی .

این کتاب سراسر شور وسوز ملی و ارزوی اصلاح وترقی جامعه‌ایران است. نویسنده در حسرت پیشوای لایق ومصلح دلسوزی است که بدبختی ها و عقب ماندگی ملت را چاره کند . در طی کتاب ازشاه عباس ونادر شاه ومیرزا تقی خان امیر کبیر مکررنام برده وبر نبودن امثال ایشان دریغ خورده است . اسلوب انشای آن ساده وعادیست وهیچگونه تصنع وتکلفی درآن دیده نمیشود وقایع سفر که در اینجا ذکر میشود فقط بهانه‌ای برای ذکر معایب اداری و اجتماعی ایران است ودر ضمن آنها صفحات ومقالات خطابی بسیار است که از تعصب پیشوایان دینی وجهل عمومی وعدم انتظام امور حکومتی ودولتی و غرض ورزی وطمع اولیای امور باسوز ودرد انتقاد میکند

در ضمن مطالعه این‌کتاب گاهی بعبارات و ترکیبات نا مأنوس و غیر عادی برمیخوریم واز آنجا میتوان حدس زد که نویسنده مدتها در بیرون‌ایران بوده است .

اما کتاب مسالك المحسنین از تألیفات « میرزا عبدالرحیم نجار زاده تبریزی معروف به‌طالب زاده یاطالبوف» است . طالب زاده مؤلف یك‌سلسله کتب در علوم جدید باسلوب‌ساده قابل فهم عوام است که مدتها رواج بسیار داشت . از آنجمله دو جلد کتاب احمد یاسفینه طالبی و فیزیك و ترجمه هیئت فلاماریون وهمچنین کتابی «درخلاصه احوال حضرت‌ختمی مرتبت واصول‌مذهب اسلام» بعنوان نخبهٔ سپهری که در ۱۳۱۰ قمری چاپ شده است . اما آنچه از آثاراو بیشتر جنبه ادبی‌دارد همین کتاب‌مسالك‌المحسنین است که در۱۳۲۳قمری باچاپ وتصاویر زیبا در قاهره بطبع رسیده است

طالبزاده هم برای بیان‌مقصود همان اسلوب سفر نامه را اختیار کرده است .

اما این سفرنامه برای سیاحت نیست بلکه سفر خیالی‌علمی است. هیئتی که بریاست گوینده داستان که محسن بن عبداله نام دارد «متشکل‌از دونفرمهندس (مصطفی وحسین) ، یکنفر طبیب (احمد) و یکنفر معلم شیمی (محمد) از اداره جغرافیای موهومی مظفری مأمور (شده‌اند) که بقلهٔ کوه دماوند صعود نمایند ، معدن یخ طرف شمال ان را ملاحظه بکنند . ارتفاع قله را مقیاس و سایر معلومات ومکاشفات را باخریطهٔ معابر خویش باداره تقدیم نمایند و این مأموریترا در سه ماه بختام آورند»

در مسالك المحسنین مبالغه دراسلوب خطابی ولحن مقالات روز نامه کمتر است .

نویسنده جنبه‌روایت وداستان را کمتر ازدست داده وباین سبب سهولتی در قرائت آن هست که در سیاحتنامه ابراهیم بیك نیست . بعلاوه طالبزاده به دقایق آداب ورسوم طبقات مختلف توجه میکند وگاهی بدقت بسیار شرح‌می دهد وباین سبب جنبه ادبی کتاب او بر کتاب سابق غلبه دارد ، انشای عبارات‌او نیز ساده وباسلوب عادی است . اما تأثیر اصلاحات جدید مأخوذ از زبان ترکی اسلامبولی در آن دیده می شود . مانند خریطه بمعنی نقشه و عمله احتساب بجای پولیس مخفی .

در بعضی عبارات‌آن معایب و نواقص صرف ونحوی نیز هست مانندجمله های ذیل :

«مصطفی از همه ما قوی البنیه است» که نظیر آن تکرار میشود . «پنجاه نفر باهم در زد وخورد است» وبعضی عبارات فصیح نیست مانند «قوه بحریه غیر مغلوب آنها مسلم دنیاست» یعنی «بردنیا مسلم است که قوه بحریه آنها مغلوب شدنی نیست»

بااینحال مسالك المحسنین را باید یکی از نمونهای خوب داستانهای انتقادی واجتماعی درآغاز ظهور این‌شیوه شمرد. دیگر ازاین‌نوع‌آثار «گفتار خوش یارقلی» تألیف شیخ‌محمد محلاتی هروی است که بصورت سفرنامه نوشته شده ودر آن مکالمات طویل هست که‌کتاب را از صورت قصه خارج میکند و موضوع بحث آن عقاید دینی و مذاهب جدید است . رمانهائیکه هدف آنها انتقاد اجتماعی بود بعدها در فارسی تکامل یافت ونویسندگان در فن انشاء و تلقین مواد داستان بطریقی که موجب جلب توجه خواننده باشد ماهر تر شدند .

از جمله رمانهای اجتماعی که مدتی شهرت ورواج یافت یکی تهران مخوف بقلم مشفق کاظمی است که در سه جلد چاپ شد . مشفق کاظمی دراین کتاب فساد طبقه حاکمه ومفاسد محیط وظلم وفشار زیردستان را بطبقات‌پائین وصف وبیان‌کرده است . داستان گیرا وخواندنی است وچند بار چاپ شده‌است کاظمی در این داستان هیچ نوع تکلیف وعبارت پردازی‌نکرده واسلوب عادی

را در انشاء بکار برده است . چاپ اول این کتاب را ندیده ام اما چاپ دوم آن مورخ سال ۱۳۰۳ شمسی است. همین مؤلف چندسال بعد دو کتاب دیگر بعنوان «گل پژمرده» و«رشك پریها» نوشت که باندازه کتاب او شهرت ورواج نیافت دیگر داستانهای «روزگار سیاه» و«انتقام» و«انسان» بقلم عباس خلیلی است که در آنها بخصوص بدبختی زنان ایرانی مورد بحث قرار گرفته واز این جنس دفاع شده است . در اسلوب انشای این کتاب تصنع و تکلفی هست . با اینحال مدتی رواج داشت واکنون دیگر هیچ مورد توجه نیست .

روزگار سیاه بقلم احمد علی خان خدا داده نیز یکی از این رمانهاست که درضمن آن بدبختی دهقانان شرح وتوصیف شده است

ربیع انصاری نیز دو داستان نوشته است بعنوان «جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم» و«سیزده عید» ودر آنها نیز موضوع وضع اجتماعی زنان مطرح است .

در دورهٔ اخیر در انتقاد آداب واخلاق اجتماعی دو نویسنده شهرت بیشتری کسب کرده‌اند . یکی میرزا محمد حجازی ودیگر محمد مسعود دهاتی

میرمحمد حجازی درسال ۱۳۰۷ رمان «هما» وسال بعد رمان «پریچهر» را انتشار داد .

اشخاص داستان حجازی در این دو کتاب همه از طبقه متوسط شهر نشین هستند .

هما دختری از این طبقه است وحسن علی خان معلم سرخانه اوست که نویسنده اورا مردی پاکدامن وعلاقمند بمبانی اخلاقی معرفی میکند . منوچهر خان نامزد هما وپوپوف که تبعیت ایران را پذیرفته وشیخ حسین همه نمایندگان این طبقه میباشند . هدف نویسنده دفاع ازحقوق نسوان وتبلیغ تجدد اجتماعی است . ساختمان این داستان وطرز تقسیم روایت وقطع وربط فصول چندان استادانه نیست. اشخاص نیز کاملا معرف نمونهای واقعی و موجود در جامعهٔ ایران نمیباشند وطرح قیافه روحی ایشان سطحی و کلی است . نویسنده خواسته است همارا نمونه دختر خوش اخلاق ومفید برای اجتماع خانوادگی بورژوازی معرفی کند . اما پریچهر شخص رمان دومی درست نقطه مقابل اوست . هوس باز وشهوت پرست است. بشوهر خود خیانت میکند . آخر باشوهرش بخراسان میروند ودر راه گرفتار ترکمانان میشوند . علی وسائل فرار را تهیه میکند . برای فرار بسراغ پریچهر میرود . اما زن باروسای ترکمانان دلخوش کرده و راضی بفرار نیست . آخر اورا همراه میبرد ،اما ترکمن عاشق پریچهر ایشانرا دنبال میکند. زد وخوردی میان حریف در میگیرد وترکمن کشته میشود. اما علی

چون میبیند که زنش از مرگ عاشق یا فاسق خود ناراضی است او را نیز می کشد وخود نیز که از کرده پشیمان شد چندی بعد میمیرد .

داستان چندان واقعی بنظر نمیآید واگرچه باسلوب رمان نویسی جدید نگارش یافته بوی قصه میدهد . «زیبا» نام رمان آخری حجازی است که دردو جلد چاپ شده وداستان آن ممکن است دنباله داشته باشد . دراین کتاب نیز اشخاص همان شهریها هستند وزندگانی پر فساد اجتماع شهری واداری در آن وصف شده است. این کتاب آخری حجازی بر دو کتاب نخستین برتری دارد. وصف توطئه های اداری وفسادیکه در طبقه متوسطه شهری وجود داشته داستان را واقعی ترساخته وبهمین سبب بیش از رمان هما و پریچهر رواج یافت . ذکر خلاصهٔ داستان موجب تطویل خواهد شد وناچار از آن چشم میپوشیم. پریچهر وزیبا هردو نمونهٔ زن هوسباز ومکار طبقه متوسطه شهری هستند. بنظر می آید که نویسنده معایب اخلاقی ایشانرا نتیجهٔ فساد محیط یاخبث طینت ایشان می شمارد . تجزیه وتحلیل عوامل اجتماعی دراین کتاب نیست . در این رمانها مکر وخیانت زن باهمان نظر نمایش داده شده است که در روایات وقصه های قدیم فارسی .

رمان نویس دیگری که بانتقاد امور اجتماعی پرداخته است محمد مسعود دهاتی است . پیش از نوشتن کتاب «تفریحات شب» مقالات ونوشته های مختلفی ازاو انتشار یافته وهیچیك مورد توجه نشده بود . اما انتشار این کتاب خاصه بسبب آنکه طرف توجه بعضی از اشخاص متنفذ واقع شد موجب شهرت او گردید. کتاب «تفریحات شب» روی الگوی کتاب معروف «درغرب خبری نیست» تألیف «رمارك» که چندی پیش از آن بفارسی ترجمه ومنتشر شده بود بریده شده است . دنباله آن چندی بعد بعنوان «درتلاش معاش» منتشر شد ودر ۱۳۱۳ جلد سوم آن بنام «اشرف مخلوقات» انتشار یافت . در سلسله کتابهای محمد مسعود طبقات مختلف شهری دیده میشوند . اما اشخاص اصلی اعضای اداره هستند که روز ها برای تحصیل معاش کار میکنند وشبها بعیاشی و ولگردی مشغولند . شرح تعقیب زنها ومجالس عیاشی بافواحش در این کتاب ها مکرر آمده ودارای هیچگونه ارزشی نیست . محمد مسعود باجتماع بدبین است و انسانرا بالذات شریر وفاسد میداند : تمام بدبختیهائیکه برای اشخاص روی میدهد حقشان است وجزای بدذاتی آنهاست وفواحش همه خود مقصرند که به این راه افتاده‌اند . هیچگونه بشر دوستی در سراسر کتابهای او دیده نمیشود بعقیده او آدم عاقل باید دربند دو روزهٔ دنیا خوش باشد و دمی را غنیمت

بشمارد زیرا از آینده خبر ندارد و اگر داشته باشد تغییر آن در اختیار او نیست •

اما ضمناً ببعضی مسائل اجتماعی مانند تعلیم وتربیت و تجدددر ادبیات میپردازد. از وضع تعلیم و تربیت و برنامه مدارس بشدت انتقاد میکند. عیب بزرگ برنامه تحصیلی در نظر او اینست که بدرد زندگی نمیخورد واز آن‌نان در نمیآید •

اسلوب انشای این نویسنده مخلوطی‌ازمحاوره عامیانه وانشای‌روزنامه هاست. یعنی نه همان در نقل عبارات اشخاص بلکه در وصف و بیان مجالس یعنی آنجاکه نویسنده از قول خودگفتگو میکند نیز الفاظ و تعبیرات بازاری بکار میبرد. در ابتدای انتشار تفریحات شب اسلوب انشای او مورد ایرادبعضی ازنویسندگان قرارگرفت ودهاتی‌آن‌ایراد هارا رد کرد بعقیده‌او یکی‌ازراههای تجدد ادبی بکار بردن همین اسلوب بود

اخیراً این نویسنده دو کتاب دیگر انتشارداده‌است یکی بنام«گلهائیکه در جهنم میروید »ودیگری بنام «بهشت آرزو»

جهانگیر جلیلی که بانشای کتاب تفریحات شب اعتراض و ایراد داشت بتأثیرآن رمانی نوشت که آن نیز رواجی‌یافت. عنوان این رمان «**منهم گریه کرده‌ام**» بود.انشای رمان اخیر متین‌تر از سرمشق آنست. هدف نویسنده این‌کتاب بیان وضع رقت آور فواحش ودفاع از حقوق زنان می باشد • از جهانگیر جلیلی رمان دیگری نیز بعنوان « **کاروان عشق** » منتشر شده است •

رمان نویسان متعدد دیگری نیزهستند که‌انتقاد اوضاع واحوال‌اجتماعی را درآثار خود هدف قرار داده‌اند ومن باتقدیم معذرت بسبب تنگی مجال‌ناچار از ذکر آثار ایشان میگذرم •

۲ــ رمان تاریخی

چنانکه‌گفتیم نخستین رمانهائیکه بزبان فارسی ترجمه شد داستانهای حوادث و رمانهای تاریخی وشرح‌حال رجال تاریخ بود. ازاین میان الکساندر دومای اول‌وجرجی زیدان بیشتر مورد توجه مترجمین وخوانندگان قرارگرفت وباین طریق ذوق خاصی برای خواندن رمانهای تاریخی میان ایرانیان بوجود آمد ونویسندگان‌ایرانی کوشیدند که دربارهٔ تاریخ کشور خود رمانهای‌تاریخی تألیف کنند. سرمشق اکثر این نویسندگان همان کتابهای دوماو جرجی زیدان بود. ازجمله اولین رمانهای تاریخی فارسی کتاب شمس طغرا تألیف محمدباقر میرزای خسروی را باید شمرد که در سه جلد تألیف شده وحوادث داستانی آن دردورهٔ تسلط مغول در فارس وزمان سعدی‌میگذرد. این کتاب اکنون مدتهاست که متروك مانده ونسخه های آن کمیاب است

دیگر رمان « عشق وسلطنت » تألیف شیخ موسی نثری همدانی چاپ ۱۲۹۸ شمسی که حوادث آن مربوط بزمان کوروش کبیرست. براون دربارهٔ آن مینویسد که اگر چه مؤلف کوشیده است تااز حقایق تاریخی کمتر دورشود بعضی اسامی‌ایرانی مانند مهرداد وهمگنانه وهوخشتروکامبوجیه‌را بصورت‌تلفظ اروپائی آنهامیتریدات و اکباتان و سیاکزاروکامبیز یا کامبوزیانوشته‌است•

انشای این‌کتاب ساده‌واز هرگونه تقیدی مانند پارسی سره نویسی یا سجع وقافیه و عبارت پردازی عاری است و همان انشای متداول درروز نامه‌ها می باشد •

دیگر رمانهای تاریخی «دام‌گستران»و«مانی»هردو ازآثارصنعتی‌زاده کرمانی‌است. «دام‌گستران» یا انتقام خواهان‌مزدك نخستین‌بار در۱۳۳۹قمری‌در بمبئی‌بچاپ رسید •

از جمله رمانهای تاریخی دیگر «پهلوان‌زند»تألیف شین‌پرتو دراحوال لطفعلیخان زند و«جفت‌پاك »تألیف‌حسینقلی میرزاسالوردر بارهٔ‌احوال‌فردوسی‌و «پدرومادر»و«شهربانو»تألیف‌رحیم‌زاده‌صفوی‌و«یعقوب‌لیث»تألیف‌یحیی‌قریب است. رمان شهربانو بپارسی‌نوشته شده

کمالی شاعر معاصر نیز صاحب دورمان تاریخی است. یکی «لازیکا» مربوط بدوران سلطنت انوشیروان ساسانی که در آن نویسنده حتی الامکان کوشیده است که الفاظ وعبارات فارسی بکاربرد واز کلمات‌عربی احتراز کند. رمان دیگر او « مظالم ترکان خاتون » است مربوط به وقایع زمان حمله مغول •

از رمانهائیکه مربوط‌بتاریخ‌معاصرایرانست«خونبهای»ایران تألیف‌علی اصغر شریف را بطورنمونه میتوان‌ذکر کرد که‌وقایع‌ان دردورهٔ جنگ‌بین‌المللی اول‌رخ میدهد •

اگر بذکر همهٔ رمانهای تاریخی که بفارسی نوشته‌شده بپردازم مطلب بسیار دراز خواهد شد. فقط این نکته را ذکر باید کرد که‌همه رمانهای‌تاریخی از لحاظ‌دقت در تطبیق حوادث باحقایق‌تاریخ یکسان نیستند ودر بعضی ازآن ها اغلاط فاحش تاریخی روی داده واز حقیقت بسیار دور شده است. مثلابقول براون دریکی ازاین رمانهازیر نقش بهرام‌گور نوشته شده‌است «درتحت آن تصویر بخط میخی نوشته شده‌بود.»

یك نویسندهٔ زیرك وشوخ معاصر درکتاب«وغ‌وغ ساهاب»پارودی‌این

گونه رمانهای تاریخی را ساخته یاباصطلاح خودمان ادای آنها را درآورده و زیر عنوان « داستان باستانی یا رومان تاریخی » قصه‌ای نوشته است . خلاصه اینکه «کارایی تاپان قنسول ارمنستان در دربار بالکان بالکا اسمردیس غاصب بخانه کلب زلف علی مرزبان مرزبانان جزیزه شیخ شعیب میرود و با دختر او مله سلطان خانم که تصنیف «امان از دل من» را میخواند معاشقه می کند. کارایی تاپان سیگار هاوان میکشد و با کلب زلف‌علی و دخترش ولیسکی سوداو کاکتیل بسلامتی یکدیگر مینوشند. وسپس اتومبیل بااستودبیکر هشت‌سیلندر ییلاژ بندر جاسك برای گردش میروند»

داستان کوتاه

داستان کوتاه یاباصطلاح فرانسه نوول بسیار دیرتر از رمان در ایران بوجود آمد، زیراترجمه نمونهای اروپائی اینگونه آثار نیز دیرتر منتشر شده بود . شاید نخستین بار در مجله بهار بود که بعضی از نوول های اروپائی ترجمه ونشر یافت . بعد در مجله دانشکده آثاری از نوول نویسان فرانسوی مانند الفونس دوده، موپاسان توسط سعید نفیسی ورضا هنری ودیگران ترجمه شد و سپس ترجمه انواع آن انتشار بیشتر یافت

پیشوای نوول نویسی فارسی محمد علی جمال‌زاده است که کتاب «یکی بود یکی نبود» رادر سال ۱۳۳۹ در برلن منتشر ساخت . این کتاب شامل شش حکایت است ودر مقدمه مفصل آن جمال‌زاده بیانیه مکتب جدیدرا نوشته‌واهمیت وفایده قصه ورمانرا که بعقیده او «بهترین آینه‌ایست برای نمایاندن احوالات اخلاقی وسجایای مخصوصه ملل واقوام» شرح داده ومخصوصاً فایده مهم این گونه آثار راکه وصف زندگانی و حالات طبقات مختلف است در توسعه و تکمیل زبان وثبت الفاظ واصطلاحات عامیانه که موجب تکثیر لغات و تعبیرات زبان است دانسته‌است . بایدگفت که در این شیوه انشاء جمالزاده مبتکر نیست اگر از ترجمه تمثیلات آخوند زاده وترجمه حاجی باباکه ذکر هر دو گذشت چشم بپوشیم افتخار ابداع این سبك بادهخداست که در روزنامه صور اسرافیل مقالات نیش دار هجو وانتقاد اجتماعی بامضای «دخو» نوشت واولین بارالفاظ وتعبیرات عامیانه را در آثار ادبی اجازه ورود داد

اما جمال‌زاده اصول وقواعد این شیوه رانوشته وآنرا بعنوان یکی ازمکتب های ادبی فارسی اعلام کرده است

جمال‌زاده حکایات شش گانه «یکی بودیکی نبود» را بعنوان نمونه برای اثبات عقیده ادبی خود نوشته والحق نمونه‌های زیبا وخوبی بوجود آورده‌است . در بیان افکار وعقاید اشخاص داستانی میکوشد که عین الفاظ وتعبیرات ایشانرا ثبت کند، کاری که تاحدی قابل توجه مترجم حاجی باباکرده بود . این طرز در ادبیات قدیم فارسی وجود نداشته وبخلاف آن در داستانهای منظوم یا منثور شاعر ونویسنده وقتیکه اشخاص داستانرا بسخن درمیآوردند همان تعبیرات خود را در دهن ایشان میگذاشتند ودر واقع بجای آنکه نویسنده از قول اشخاص گفتگو را نقل کند اشخاص بزبان نویسنده سخن میگفتند .

حکایت اول «یکی بود یکی نبود» بعنوان « فارسی شکرست » شرح گفتگوی یك مرد عامی رمضان نام بایك فرنگی مآب ویك شیخ است . فرنگی مآب درگفتار خود کلمات فرانسه مانند رولوسیون و دموکراسی واولوسیون بکار میبرد ورمضان بیچاره ازگفته های او چیزی دستگیرش نمیشود . اما شیخ اینقدر کلمات قلنبه عربی میبافدو حدیث وآیه میخواند که رمضانرا مستاصل می کند . آخر جوانی که از اسلامبول آمده سر میرسد واو نیز باتعبیرات فارسی مستعمل اسلامبول که بااستعمالات فارسی ایرانی متفاوت است چیزهائی میگوید که معنی آنها بررمضان مجهول است . این حکایت درواقع ادعا نامه زبان شیرین فارسی برضد افراط وتفریط قدیمیها ومتجددها هردو است

حکایت دیگر این کتاب مانند **رجل سیاسی وویلان الدوله ردوستی خاله خرسه** و **بیله دیگ بیله چغندر** همه مانند حکایت اول جنبهٔ طعن و مزاح ومسخره دارد وجمال‌زاده در این شیوه استادی نشان میدهد وفقط حکایت درد دل ملاقربانعلی جدی‌است واز نمونه‌های بسیار زیبای داستان کوتاه‌درادبیات فارسی شمرده میشود .

در آخر کتاب «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده لغت نامه‌ای برای‌اصلاح والفاظ عامیانه ترتیب داده که البته کامل نیست. اما اولین کوشش برای‌جمع وتدوین این الفاظ است. ازاینجهت اهمیت دارد

در سالهای اخیر چندکتاب دیگر از جمال‌زاده چاپ‌شده است . ازجمله سرگذشت عمو حسینعلی وآن نیز شامل چند داستان کوتاهست که بعضی ازآن ها سابقا در مجلات فارسی خارج ایران انتشاریافته بود . دیگر داستان مفصلی بعنوان دارا لمجانین که جنبهٔ تفننی وفانتزی آن غلبه دارد (۱۳۲۱) امادرنوشتن داستا نهای کوتاه بزرگترین استادادبیات‌معاصرایران **صادق‌هدایت**‌است.

وسعت وتنوع آثار هدایت درادبیات اخیرما نظیر ندارد این نویسنده تاکنون بیست وشش کتاب انتشارداده که‌ازآن جمله چهار کتاب هریك شامل چند داستان کوتاهست . پنج کتاب هریك داستان واحدی است . دو کتاب‌هجو وشوخی ، دو نمایشنامه ، یك سفرنامه، بعنوان «اصفهان نصف جهان» دو کتاب

در تدوین فلکلر ایران . وبنج ترجمه ار متون پهلوی از جمله آثار اوست

شاهکارهای او را در داستان‌های کوتاه باید جستجو کرد . کتاب‌های **زنده بگور (۱۳۰۹) سه قطره خون (۱۳۱۱) ، سایه روشن (۱۳۱۲) و سك ولگرد (۱۳۲۲)** هریك شامل‌چند داستان کوتاهست . دراین‌داستانها هدایت بوصف و نمایش نمونه‌های گوناگون تودهٔ مردم ایران پرداخته است .



آ قای صادق هدایت

مهربانی و همدلی او با طبقات پائین اجتماع‌موجب شده است که بسراغ افراد طبقه محرومی برود که دیگران آنها راقابل توصیف ومعرفی‌ندانسته بودند . داستانهائی که اشخاص آنها ازطبقهٔ‌متوسط شهری باشنددرآثار هدایت هست، اما اغلب‌اشخاص برجسته او که‌یاد آنها در ذهن میماند کسانی ازطبقهٔ پائین ترند. داش‌آکل، کاکارستم ،گل بیو ، زرین کلاه، میرزایدالله ، مشتی شهباز، حاجی‌مراد ،علومه خانم ، آقا موچول ، عصمت‌سادات، صغرا سلطان، بی بی‌خانم ، منیجه خانم از این قبیلند . هدایت در انتخاب این قبیل اشخاص ذوقی دارد و اغلب پست و بلندیهای‌روح بشری را در ایشان میابد وتصویر می کندد. اش‌آکل‌لوطی شیرازی یك دنیاجوانمردی و بزرگواری در روح خـود دارد . هدایت هم از لطف طبع هنرمندانهٔ خود به او سهمی‌بخشیده است .

کاکارستم پنتی‌است‌و برای کشتن‌داش‌آکل‌پی‌فرصت‌میگرددو بناجوانمردی متوسل میشود .

گل‌بیو دهقان مازندرانی خشن و بی عاطفه‌ای است که زنش را کتك میزند و آخر او را رها کرده بمازندران نزد زن دیـگر خود بر میـگردد . زرین‌کلاه دختر سادهٔ دهاتی شوهرش را دوست دارد و با بچهٔ نوزادخود دنبال گل بیو بمازندران میرود . آنجا شوهر و هوو او را طرد میکنند. نومیـدانه برمیگردد و در راه بچه‌اش را در آستانهٔ دری میگذارد و همراه یك قاطرچی براه می‌افتد .آبجی‌خانم دختر ترشیده‌ایست‌که خواهر کوچکش عروسی کرده و او از حسد و نومیدی خود را در آب‌انبار می‌اندازد و خفه می‌شود . میرزا یدالله ملائی‌است که‌با زن سلیطه‌اش دعوا کرده و او را سه طلاق داده است . زنش را دوست دارد و زود پشیمان میشود . اما دیگر کارازکار گذشته ومطابق آداب شرع چاره‌ای جز پیدا کردن محلل نیست . « بقال‌الدنك پف‌پوزی را که اگر هفتاد سك صورتش را میلیسید سیر نمیشد و از آنهائی بود که برای يك پیاز سرمیبرند » پیدا میکند .او با گرفتن پنج تومان معامله‌را می‌پذیرد. اما بعدازاجرای صیغه عقد میگوید « زنم است یك موش‌را نمیدهم هزارتومان بگیرم »این‌زن بمشتی‌شهباز بقال‌هم وفا نمیکند وبالنتیجه مایه بدبختی هردورا فراهم میآورد .

اما هدایت همیشه شما را بکلبه های دهاتی و مزارع و اطاق هائی که جزسماور حلبی وپیه‌سوز اثاثی درآنها نیست و قهوه‌خانه‌های دودزده سرراهها نمی‌برد . گاهی‌هم همراهٔ او بخانه‌های متوسط واعیانی میروید . بااعضای اداره آشنا میشوید . هنرمندان رنج دیده و مأیوس را میشناسید . گـاهی بسیبری بسیاحت میروید وگاهی در مهمانخانه های پاریس منزل میکنید و اگر ذوق شعرهای تاریخی‌دارید میتوانید همراه او بقرون گذشته بر گردید. آخرین‌لبخند بودا را در اوایل استیلای عرب تماشا کنید و در تخت ابونصر شاهـد عشقبازی مومیائی‌زنده‌شدهٔ سیمویه باشید .

زمانـها مختلف ، اشخاص متعدد و جورا جور ، مکانها گوناگون و بالاخره همه چیز درآثار هدایت متنوع و رنکارنك است . ازهمه مهمتر آنکه هرداستان آغاز و انجامی خاص خود دارد . پیچیدگی حوادث و گشادگی گره آنها در دو داستان‌هم یکسان نیست . مراحل زندگانی بشر را ازآغازآفرینش (افسانهٔ آفرینش) شروع میکند . سرگذشت بوزینـگانی را که اجدادانسان بوده‌اند شرح میدهد . از پله‌های تاریخ بالا میرود تا آنجا که تمدن مادی بشر را بانتها میرساند و آرزوی مرد نومیدانه را که بعقیدهٔ او ، یا لااقل عقیده‌ای در زمان نوشتن داستان ، سرانـجام این تمـدن است شرح مـی‌دهد . بـعالم ارواح‌هم سری میزند و از همهٔ این مراحـل نومید ودردمند برمیـگردد . آیا این‌نومیدی نتیجهٔ وضع اجتماعی‌زمان اوست؟ شایدوشاید درمحیط دیگرواوضاع اجتماعی دیگر خوشبین‌ترازاین جلوه میکرد .

اما حساسیت فوق‌العادهٔ اورا نیز نباید ازنظر دور داشت ، لطف طبع هنرمند همیشه او را در دنیای کامل و زیبائی که ساختهٔ خیال بلند پرداز اوست سیر میدهـد . وطن هنرمـند آنجاست و حسرت درمان و درد دوری همیشه او را در رنـج دارد و در آثار او منعـکس میشود . بمقایسهٔ آن فـردوس آرزو و بهشت کمال دنیا را خراب آبادی می‌بیند و مـانند شاعر بزرگوار مـی گوید :

من‌ملك بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد درین دیر خراب آبادم

این دلیل‌را نباید دلیل بدبختی هنرمند گرفت . نهیبی است که بکاروان بشریت‌میزند واورا درسپردن راه کمال‌چالاکتر ودلیرتر میکند . شاید بسیاری‌از عرفای نامدارما نیزهمین مقصودرا داشته‌اند .

اما هدایت‌عارف نیست و با آسمان و فرشتگان سر و کاری ندارد . دل پرمحبتش راضی نمیشود که از عالم خاکی که در آن این همه بدبختی هست و اینهمه پستی که خود نوعی از بدبختی است نظر بردارد . بلندی‌ها و بزرگواری‌ها را که مایهٔ تسلی اوست نیز در همینجا جستجو میکند و حتی باکی ندارد ازاینکه اصالت‌ونجابت وحسرت دنیای آرزورا درقالب سگی‌مجسم و ممثل کند .

هدایت عشقی سوزان بوطن خود دارد ، بدشمنان تاریخی ایران کینه‌ای شدید نشان می‌دهد و این معنی در بسیاری از آثار او آشکارست . بگذشتهٔ درخشان و پرافتخار ایران توجه خاص دارد و آموختن زبان پهلوی و ترجمهٔ کتب متعددی از آثار ادبیات آن زبان نتیجهٔ همین توجه است .

یادگذشتهٔ پرافتخار ایران که در « قضیهٔ دست‌برقضا بطنزو مزاح از آن‌گفتگو میکند در آثار اومکرر جلوه گری کرده است . اماهدایت فقط شیفتهٔ تاریخ و افسانه نیست . ایران را دوست دارد ، ایران زنده و موجود را ، و زبان حال او شاید این مثل باشد که « بهلوان زنده را عشق است » از اینجاست مهربانی و علاقه‌ای را که بطبقات پائین یعنی اکثریت ملت ایران نشان می‌دهد .

تجزیهٔ آثار وسیع و گوناگون این هنرمند فرصت و مجال بسیار لازم دارد و من ناچارم که گفتگو را کوتاه کنم . اما ازاسلوب بیان‌اوهم گفتگوئی باید کرد . هدایت در انشاء پیرو همان مکتبی است که جمال زاده خود را علمدار آن معرفی کرد . در آثار وسیع خود این شیوه را باستادی تمام پیش گرفته و زبان شیرین فارسی را چنانکه جمال زاده پیش بینی میکرد وسعت و غنا و تنوعی بخشیده است که هرگز نظیر نداشته است . آثار هدایت معدن اصطلاحات وکنایات و امثال و استعارات زنده و زیبائی‌است که‌اززبان‌اکثریت ملت گرفته شده و در ادبیات قدیم نبوده است . شیوهٔ بیان هدایت به یافتن تعبیرهای دقیق و اوصاف زیبای مبتکرانه ممتازست . هیچ وصفی در آثار او سرسری و متعارفی نیست .اشخاص‌درداستانهای اوهمیشه طبیعی‌وبااصطلاحات و الفاظ و تعبیرات خاص طبقهٔ خود گفتگو می کنند . هدایت اگر چه واضع و مبتکر این شیوهٔ انشاء نیست اما آن را چنان پرورانده و پرداخته

که گروهی کثیر پیرو یافته و این شیوه امروز در ادبیات معاصر فارسی مدشده است . این نکته را هم دربارهٔ او باید گفت . تا سالهای اخیرکار هدایت رواج و رونقی نداشت آثار خود را در نسخه های معدود بخرج خود چاپ میکرد و همه آنها هم بفروش نمیرفت . ادیبان ماکه داستان نویسی را کاری پست و بازاری می‌شمردند هیچ حاضر نبودند که این آثار راجزه ادبیات محسوب کنند استعمال کلمات و الفاظ عامیانه در نظر ایشان رکیك بود و سهل‌انگاری هائی که نویسنده گاهی‌درساخت‌جمله ومراعات‌دستور زبان نشان‌می‌داد گناه‌بخشایش ناپذیر شمرده‌می‌شد .معدودی‌از دوستان‌او بودند که‌هنر بزرگ اوراقدرمی‌دانستند واگرذکری از او درزمرهٔ‌نویسندگان‌ایران‌میرفت درمقالات وآثاربعضی‌ازخاور شناسان‌بود که اورا مانندگنجی‌درویرانه‌ای یافته‌بودندودوستان‌اومیدانستند که‌این مقاومت‌سخت‌درهم خواهدشکست‌وقدراوآشکارخواهدشد. اکنون دوسه‌سالیست که این امر واقع شده وشهرت او وشماره پیروانش روز بروز افزوده‌میشود .

دیگر از پیروان مکتب جمالزاده **بزرگ علوی** است . یك مجموعه از آثار او بعنوان **چمدان** در سال ۱۳۱۳ منتشر شد . این کتاب شامل شش داستان است . اولی بنام چمدان داستان معاشقه ایست که زود رشتهٔ آن قطع میشود . دومی «قربانی» نام دارد وداستان‌جوانیست که‌بسبب حساسیت‌فوق‌العاده مسلول شده‌است . نویسنده محیط را در این مورد گناهکار میشمارد . خسرو که مرك خودرا نزدیك می‌بیند با دختری که دلباخته اوست ازدواج می کند و درکنار دریای خزر حجله گاهی بذوق و سلیقهٔ ممتاز خود ترتیب می‌دهد . شب زفاف را در آن خانه میگذرانند . صبح که دوستش با مادر عروس و داماد بآن خانه میرسند دختر را با لباس عروسی در کنار دریا افتاده می‌بینند ومعلوم میشود که صبح زفاف خسرو خود را بدریا انداخته است . داستان باین عبارت ختم میشود : « یکسال بعد فروغ‌هم بمرض‌سل مرد . او قربانی همه‌شد . اینهم قربانی او شد » **عروس هزار داماد** داستانی است که واقعهٔ آن در یکی از کافه‌های جدید فرنگی مآبانه میگذرد . شخص اصلی‌آن موسیقی دانیست که درکودکی آوازی از دختری سوسن نام شنیده‌و عاشق آن آهنك شده وهمین عشق او را برای تحصیل موسیقی باروپا کشانده و موسیقی‌دان زبردستی شده اما همیشه درحسرت‌آن آواز زمان‌کودکیست .بایران برمیگردد و سوسن را بزنی‌میگیرد . اما سوسن دیگرآنطورآواز نمی‌خواند. سوسن عشق‌میخواست وشوهرش عاشق آواز بود که دیگر نداشت . کار بطلاق میکشد . سوسن آوازه‌خوان کافه میشود .ساززن که درهمان کافه آمدورفت میکند وساز میزند شبی در حال مستی همان آواز قدیم را از دختر میشنود . آوازی که عمر اورا

بهدر داده بود و با این شعر حافظ خوانده میشد :

مجودرستی عهد ازجهان سست نهاد   که این عجوزه عروس هزار دامادست

قوی‌ترین و برجسته‌ترین داستان این مجموعه « سرباز سربی » است که در آن تجزیه حالات روحی مردی غیر عادی است که نقصی جنسی دارد و زنی را دوست میدارد و غیرتی شدید نسبت باو میورزد و عاقبت او را خفه میکند ـ تجزیه و تحلیل این داستان هم دشوار است وهم فرصت بیشتری میخواهد و باید این فرصت را جای دیگر جست . آخرین حکایت این کتاب بعنوان «مردی که پالتوی شیك تنش بود» لحن انتقاد مزاح آمیز دارد .

بزرك علوی در ۱۳۱۵ بجرم داشتن افکار آزادیخواهانه بحبس افتاد وتا ۱۳۲۰ بیرون نیامد . بعد از رهائی از زندان دو کتاب از آثار او منتشر شد، یکی بعنوان «ورق پاره های زندان» که شامل پنج داستانست ودیگری بنام «۵۳ نفر» که شرح حوادث گرفتاری ومحاکمه وشکنجه های زندان وزندگانی او ویاران اوست .داستان‌های «ورق‌پاره‌های زندان» در محبس روی کاغذ قند و سیگار و پاکتهای میوه پنهانی نوشته شده و همه شرح حال زندانیان یا نقل سرگذشت ایشانست . از آنمیان قطعهٔ مفصل «عفو عمومی» که حالت امید واربهای زندانی را برهائی وآزادی شرح میدهد وبصورت یادداشتهای روزانهٔ زندانی خطاب بزن خودست بسیار مؤثر و حساس و زنده است. داستانهای «پادنك» و «رقص مرك» شرح دو جنایت است . باآنکه این دو حکایت از حیث اشخاص ومکان با هم اختلاف دارند، هردو دریك نکته شبیه‌اند وآن اینست که جنایتکاران مقصر نیستند ومقصر اجتماع است . «انتظار» داستان محبوسی است که در زندان دیوانه شده است وبسیار قوی ومؤثرست .

غیر از این دو کتاب چند داستان دیگر نیز درسالهای اخیر از علوی در مجلات «سخن» و «پیام‌نو» منتشر شده‌است که شاید بزودی بصورت کتابی درآید .

اسلوب انشای علوی بااسلوب هدایت درست یکسان نیست . آن همه استعارات وامثال واصطلاحات نو که در آثار هدایت است دراینجا دیده نمیشود. عبارات او روان وساده و بی تکلف است . همین بی تکلفی گاهی در ساخت عبارت اورا بسهل انگاری وامیدارد . در روایت داستان وپیچ وخم آن استاد است . اشخاص داستان او بیشتر از طبقه متوسطند واز آن میان بهنرمندان توجه خاصی دارد . در آثار اخیر او بیشتر بافراد طبقات پائین برمیخوریم و مسائل اجتماعی در این آثار اهمیت بیشتری یافته است . علوی را پس از هدایت باید از نمایندگان زبردست مکتب جدید دانست .

از جمله دیگر نویسندگان داستانهای کوتاه سعید نفیسی است ، او از اولین کسانی بود که این نوع آثار را از آلفونس دوده وامثال او بزبان فارسی ترجمه کرد ودر مجلهٔ دانشکده انتشار داد . داستانهای متعدد او که گاهی جدی وگاهی مزاح آمیزست در روز نامهای مختلف چاپ شد وبعد در ۱۳۱۷ به عنوان «ستارگان سیاه» در مجموعه‌ای منتشر گردید. اسلوب انشای نفیسی فصیح وشیرین وزیباست وگاهی کنایات لطیف در آن هست . همه داستانهائیرا که در این مجموعه گرد آمده داستان نمیتوان خواند . بعضی از آنها شرح ساده واقعه ایست که بفرانسه (Récit) میگویند وشاید مناسب باشد که بفارسی کلمهٔ روایت را برای بیان این نوع قرار بدهیم .

میرمحمد حجازی نیز مجموعه‌ای بعنوان «آئینه» دارد که شامل قطعات ادبی کوتاه است ، اسلوب انشای حجازی دراین آثار اسلوبیست که در اصطلاح «ادبی» میگویند . در آوردن استعاره و مجاز مبالغه میکند واوصاف اومشحون از استعارات معروف ومعهود اذهان است که اغلب آنها از اشعار وآثار ادبی قدیم اقتباس شده است . حجازی در عبارت پردازی باینطریق قید و تکلفی نشان میدهد واصراری ندارد که اصطلاحات وتعبیرات طبیعی اشخاص را ثبت کند ، بلکه آنها را بهمین زبان بگفتگو وامیدارد . موضوع قطعات کتاب آئینه اغلب مطالب کلی است .بیان این عقاید که بسبب کلیت تازگی ندارد مانند «عجز وناچیزی بشر در مقابل طبیعت» و «عدم مطابقت گفتار اشخاص با اخلاق وکردار ایشان» غرض اصلی این قطعات است . اغلب قسمتهای این کتاب را نیز داستان نمیتوان خواند وبیشتر از نوعی است که در زبان فرانسه (Essai) خوانده میشود واگر بخواهیم در ادبیات قدیم خود نظیری برای آنها بجوریم باید این لفظ را به «مقامه» ترجمه کرد .

دشتی در سال گذشته مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه خود را که سابقاً در روزنامه ها منتشر شده جمع آورده وبعنوان فتنه انتشار داده است . این نویسنده فقط بیك موضوع پرداخته وآن تصویر روحیات زن است . اگر چه نویسنده قصد دارد که تصویر زن کلی را نقش کند اما فقط یك نمونه از این جنس را نشان داده وان زن طبقهٔ ثروتمند جامعهٔ امروزی است .

این زن را نویسنده خود چنین معرفی میکند : « ازخانمهائیست که در اغلب محافل شیك وخوب تهران آمد وشد دارد وعلاوه بر زیبائی زن متین و متشخصی است» تظاهر بتجدد وفرنگی مآبی ، دم زدن از برابری با مرد ها بی آنکه حاضر باشد در وظایف اجتماعی ایشان شرکت کند ، بیکاری و بسبب آن هوسبازی وخود نمائی «در محافل خوشگذران تهران» از صفات خاص این زن است . مردان داستان از چنین زنی توقع عشق پاك دارند . عشق پاکی که

در رمانهای نویسندگان بورژوآزی دورهٔ رمانتیسم وصف شده ومحافل خوش گذران تهران برای تظاهر بفرنگی مآبی ازآن دم میزنند

مسئله حقوق زنان‌دراین کتاب مطرح‌است،امانویسنده هیچ‌بعلل‌اقتصادی که اساس این عدم تساوی در جنس ومحکومیت زن است توجه نکرده و این نکته را بکلی مسکوت گذاشته وبهمین سبب بنتیجه‌ای نرسیده است

بااینحال باید گفت که‌نویسنده در شیوه بیان‌زن ووصف‌حالات‌ونفسانیات همین نمونه زن مهارت‌تام دارد. دشتی پیروانی یافته که هیچیك درادبیات‌معاصرا جائی برای خود باز نکرده‌اند .

در سه چهار سال اخیر نوشتن داستانهای کوتاه که با آثار جمال‌زاده و هدایت وعلوی درادبیات فارسی رواج گرفته بود شکفتگی تازه ای یافت وچند نویسنده جدید بظهور رسیدند که هریك صاحب سبك واسلوبی خاصند وآیندهٔ درخشانی رابرای خود واین‌نوع نویسندگی‌در ادبیات فارسی‌بشارت می‌دهند.

از آنجمله یکی **اعتمادزاده** است که آثار خود را ابتدا در روزنامه ها با نام مستعار« به‌آذین » انتشارداد وبعدآن‌ها را درمجموعه ای به‌عنوان «پراکنده» گرد آورد و در۱۳۲۳ چاپ کرد . داستان های‌این کتاب‌به‌ترتیب عبارت است از آینه ، زیور ، در جستجو ، میوه ، بدبختی مریم ، علی‌گابی .

مضمون‌این‌داستانها گوناگون‌است. بعضی‌ازآنها مانندعلی گابی ودرجستجو وضع اجتماعی امروز ایرانرا انتقاد میکند ودر بعضی‌دیگر نویسنده خواسته‌است بتحصیل روحی بپردازد وچنانکه خود در مقدمه کوتاه کتاب نوشته «پرده های «زندگیرا» نمایش بدهد .

نخستین نکته‌ایکه ازخواندن‌صفحات‌اول این کتاب بذهن خواننده‌خطور میکند اینست‌که نویسنده بانتخاب الفاظ وساخت عبارات توجه دارد وکلمات را سرسری برنمیگزیند.

این دقت در بیان اغلب عباراتی زیبا وخوش آهنك بوجود میآورد اما گاهی هم از نرمی عبارت و صراحت الفاظ میکاهد. خاصه در جاهائیکه نقل قولی از اشخاص داستان میشود پیداست که نویسنده بتنگی و دشواری افتاده زیرا از یکسو میخواهد حقیقت واقع را عیناً نقل کند وهمان عبارتها را که‌شخص داستانی در عالم‌واقع بزبان میآورد بنویسد ،از طرف دیگر دلش رضانمیدهد که کلمات وعباراتی از قلم اوجاری شود که در نظرش اصیل وشریف نیست . من در دو داستان زیور وعلی گابی از این مجموعه کمالی‌دیده‌ام در داستان‌اول قلم دقیق نویسنده غزلی ساخته است . غزلی طبیعی و واقعی ، غزلی که از زندگانی عادی جاری اقتباس شده وشاید منافی اخلاق باشد. اما نویسنده‌خود در مقدمه کتاب نوشته است که «هنر نویسندگی را بخدمت اخلاق عامیانه نمی گمارد» داستان علی گابی پرده‌ای از وضع اجتماع امروز مارا نمایش می دهد اجتماعی که در آن پول موجب نجابت و شرافت و شأن و مقام‌است. اگر چه از کارکشانی رندان وشهوت پرستان بدست آمده باشد . از این نویسنده داستان های دیگری نیز بعد از انتشار «پراکنده» در مجلهٔ سخن وجا های دیگرمنتشر شده است .

صادق چوبك با انتشار نخستین مجموعه داستان‌های خود در سال گذشته میان نویسندگان معاصرمقام ارجمندی‌یافت . این کتاب که خیمه‌شب‌بازی نام دارد شامل یازده قطعه است که بعضی از آنها داستان کاملیست وبعضی دیگر گوشه‌ای از زندگی را نشان میدهد وبمنزلهٔ طرح یاعکسی فوری است که از حادثه یامنظره‌ای برداشته باشند. در اغلب‌قسمتهای این کتاب نویسنده کمال‌دقت را درمشاهده‌ومهارت‌و قدرتی شایان تحسین در وصف و تصویر نشان می دهد. نقاشی دقیق هنر خاص این نویسنده است وشاید برای اشاره بهمین معنی باشد که روی جلد کتاب تخته رنك وقلم موی نقاشی رسم شده است .

در بعضی‌از داستانهای‌این کتاب مانند «چراغ‌قرمز» و«گلهای گوشتی» و«پیراهن زرشکی» توجه بدقایق منظره خارجی ورفتار وحرکات اشخاص که نتیجه ونماینده حالت روحی خاص آنهاست نویسنده و هنرمند را در کار خود استادی زبردست معرفی میکند .

بعضی از قطعات این کتاب‌حاوی هیچگونه حادثه یاداستان جالب وغیر عادی نیست وبلکه فقط یك گوشه‌ای از زندگی طبقه و دسته ای را بی اظهار نظر واستنتاج از آن نمایش میدهد . اما در همین قسمتها زبر دستی نویسنده آن منظره عادی وساده را که همه هر روز با نظایر آن روبرو میشوند چنان زنده وبرجسته نشانداده که خواننده را مجذوب میسازد .

نمونه این قطعات نفتی ، عدل ، آخر شب ، یحیی ، وبعد از ظهر آخر پائیزاست . شیوه خاص وابتکار نویسنده‌در آن قطعات ظاهر میشود .

اسلوب انشای چوبك نیز همان شیوه‌جمال‌زاده وهدایت است.میکوشد که‌تا میتواند انشای خود را بزبان عامه ، خصوصاً عامه تهران ، نزدیك کند و شاید بتوان گفت که در این کار کمی مبالغه‌روا میدارد ،زیرانه‌همان در نقل قول ازاشخاص بلکه گاهی دروصف وبیان‌نیزهمان‌اسلوب محاوره عامیانه‌واصطلاحات عوامرا بکار میبرد واشخاص داستانی حتی گاهی از اشخاص واقعی هم عامیانه‌تر گفتگو میکنند .

در هر حال اکنون چوبك مقام خود را در نویسندگی پابرجا کرده و روبایندهٔ درخشانی میرود .

از همین مکتب نویسندگی ، نویسنده جوان دیگری که تازه کار خودرا آغاز کرده جلال آل احمدست. نخستین اثر ادبی او بعنوان «زیارت» درفروردین ۱۳۲۴ در مجلهٔ سخن منتشر شد واهل فن در آن نشان قریحه واستعداد برجسته دیدند .

قطعات دیگری که درطی سال گذشته نوشت ودر مجلات وروز نامهای مختلف انتشار داد در پایان سال گرد آمد. وبعنوان «دید و باز دید» بصورت مجموعه‌ای منتشر شد . این مجموعه شامل ۱۲ قطعه است . آثار آل احمد هیچ یك داستان واقعی نیست بلکه امری وواقعه عادی وساده‌ای را شرح میدهد . اما نویسنده دراین کتاب زبر دستی و هنر خاصی دارد . شاید قطعه زیارت کامل ترین نمونهٔ سبك خاص اوباشد. جوانیست که بزیارت میرود ، جزئیات وداع با خویشان ووقایع سفر امروزی را در ایران شرح میدهد. بالاخره داستان ببیان حالت روحی زائر ختم میشود. نویسنده در اینجا بامهارت تمام از اظهار عقیده خود داری میکند وهیچگونه نتیجه‌ای نمیگیرد. اما استادی او در بیان نتیجه‌را باوضوح وبرجستگی تمام بذهن خواننده القا میکند .

البته گاهی ازاین اصل منحرف میشود، «افطار بیموقع» نام قطعه دیگری از این کتاب است . آمیزا رضا دلال بازار روزه گرفته و بعلت ضعف مزاج در گرمای تابستان طاقتش طاق میشود وبرای آنکه کسی باو تهمت سستی عقیده نزند ناچار بکرج میرود ودر قهوه خانه‌ای روزه خود را میشکند. شب زنش ازواقعه خبردار شده او را سرزنش میکند . تا اینجا در وصف مناظر مختلف عادی و حالات وافکار میرزا رضا ومکالمات او با زنش کمال استادی بکاررفته است . اما در چند سطر آخر این قطعه که نویسنده ضمن وصف منظره لحن خطابی پیش می‌گیرد از شدت تأثیر وقومت حکایت می کاهد . اسلوب انشای او نیز خالی از مسامحه نیست .

جلال آل احمد در این مجموعه خود را متخصص در بیان طرز تفکر عوام وطبقات پائین در باره امور مذهبی معرفی کرده است .در این کار دقیق و ماهرست . تاآثار آینده اش استعداد های دیگر اورا چگونه معرفی کند .

تئاتر

در اینجا از تقلید وتعزیه گفتگو نمیکنیم زیرا که اینهارا نمیتوان پدر تئاتر جدید ایرانی که از اروپا اقتباس شده است دانست . ترجمه تئاتر های اروپائی چنانکه دیدیم از اواسط دورهٔ سلطنت ناصر الدینشاه آغاز شده بود. این ترجمه ها همه بنثر بود .

نمایشنامه‌های آخوند زاده ومولیر رواج وشهرت بسیاریافت وشنیده‌ام که بعضی از آنها را در آنزمان در محافل خصوصی نمایش‌نیز میدادند .معروف است که ناصر الدینشاه پس از مراجعت از فرنك مزین الدوله را مأمور کرد که در تالار دارالفنون نمایشهائی بدهد واو بعضی از ترجمه های مولیر رابمعرض نمایش گذاشت . اما لازمهٔ پیشرفت فن نمایش خاصه کمدی، آزادی دربیان‌عقاید وانتقادست که در آنزمان وجود نداشت .

شاید اولین نمایشنامهائیکه بزبان فارسی باسلوب اروپائی نوشته شده آثار میرزا ملکم خان باشد .قسمتی ازاین نمایشنامه ها در سال ۱۳۲۶ قمری در روزنامه اتحاد تبریز چاپ شد ولی مجموعه کامل آنها فقط در سال۱۳۴۰در برلن انتشار یافت .

این‌مجموعه شامل‌سه قطعه‌است :سرگذشت اشرف‌خان ،حاکم‌عربستان در ایام توقف او در تهران ۲- طریقهٔ حکومت زمان‌خان بروجردی ۳-حکایت کربلا رفتن شاهقلی میرزا وسرگذشت ایام چند روزهٔ ودرکرمانشاهان نزدشاه مراد حاکم آنجا .

گویا این نمایشنامها تاکنون بمعرض نمایش گذاشته نشده است ، امااز آغاز مشروطه آزادیخواهان بهترویج فن‌تآتر که یکی از بهترین وسائل بسرای انتقاد اجتماعی است همت گماشتند .

چند شرکت تئاتر بنامهای شرکت فرهنك و تآتر ملی تشکیل شد . عبدالکریم خان محقق‌الدوله دراینراه کوشش بسیاربکار برد. در۱۳۲۵شرکت دیگری بنام‌کمدی ایران تأسیس یافت .

رئیس این‌شرکت سیدعلی نصر بود وازجمله همکارانش مرحوم‌احمد محمودی‌کمال الوزاره وبهرامی بودند .

چندی بعد تالاری برای نمایش در لاله زار ساخته شد . بعضی ازبازیگران قفقازی وروس بایران آمدند ودست‌بکار زدند. در ابتدا دو مشکل‌بزرك در راه پیشرفت تئاتر در ایران وجودداشت : یکی اشکال مادی ونبودن‌وسایل فنی و دیگرعادات وخرافات و اوهامی‌که بازی گری را کاری پست می‌شمرد وبا تحقیر به بازی‌گران مینگریست وحضورزنرا درصحنه نمایش‌اجازه‌نمی‌داد.

ابتدا چندی مردان رل زنان رابازی میکردند وبعدزنان بازی گرغیر ایرانی‌یاغیر مسلمان بصحنه آمدند که اغلب فارسی‌را بالهجه غریب‌تکلم‌میکردند.

بعد هاهیئت‌های تئاتری متعدد تشکیل شد که ازآنجمله جامعه باربد و شرکت کمدی اخوان وجامعه‌نکیسا بود. دردورهٔ حکومت دیکتاتوری هنرستان هنر پیشگی تشکیل دادند . اما سانسور شدید پلیس ورقابتها واغراض‌نگذاشت که این‌موسه چنانکه باید مفید واقع‌شود . درمجالس‌پرورش‌افکار لطیفه‌های لوس نمایش میدادند که چندان بایجاد ذوق درتماشاگران‌وپیشرفت فن نمایش کمکی نکرد . پس ازشهریور ۳۲۰ هیئتهای تئاتری متعدد درتهران ایجادشد و اکنون پنج تماشاخانه درتهران دایراست که اغلب نمایشنامه های خارجی را که بفارسی ترجمه شده یانمایشنامه های‌ایرانی رادرآنها مرتب‌نمایش میدهند.

ازکمدی هائیکه نویسندگان ایرانی نوشته اند و ازجنبهٔ ادبی شهرت وارزشی یافته‌پس‌ازتئاتر های‌ملکم **جیجکعلیشاه** اثرذبیح بهروزست که‌اوضاع دربارناصر الدین شاه‌رابمسخره بیان‌میکند. دیگر**جعفرخان ازفرنك آمده** بقلم حسن مقدم که اطوارفرنگی مآبی افراطی راباعقاید خرافی کهنه پرستانه مقابل‌کرده و دراین‌کار استادی بسیار نشان داده است . کمدیهای متعدددیگر نیز هست که‌مکرر نمایش داده شده و اکنون هم میشودو بعضی ازآنها مانند **غیاث خشتمال** بقلم ناهید و **دکتر ریاضی دان** و **دیوانه مزاحم** شهرتی یافته است . امانسخه این نمایشنامه ها بعنوان اثرادبی‌دردست‌خوانندگان‌نمانده **کمال‌الوزارهٔ‌محمودی** سه‌کمدی نوشته‌است یکی **استاد نوروز پینه‌دوز** ودیگر**حاجی ریائی‌خان** یاتارتوف شرقی که هر دوچاپ‌شده و دیگر **منتظر الوکاله** که نمایش داده اند امابچاپ نرسیده است .

نوع دیگر اپرت ودارم لبریك است . اولین نمونه های اپرت فارسی ترجمه نمایشنامه های ترکی قفقازی بود وعلت‌این امرآنکه آهنگهای قفقازی‌را که‌بگوش ایرانیان‌آشناست میتوانستنددرصحنه‌نمایش‌عیناً بکاربیرند. اپرت‌های «اصلی و کرم» و«آلهه»و«مشهدی عباد» و«آرشین‌مال‌آلان» مورد استقبال تماشاگران ایرانی واقع‌شدوهنوز هم بعضی ازآنهاگاه‌بگاه نمایش داده‌میشود. **رضاشهرزاد**ازروی‌این‌نمونه هااپرت **«پریچهرو پریزاد»** رانوشت ومکرر آنرا باری کردند .

اپرت های عشقی بنام **«رستاخیز سلاطین ایران»** و **«بچه‌گدا»** شهرت بسیار یافت ومکرر نمایش داده‌شده است .اپرت های**خسروشیرین ولیلی ومجنون** نیزمکررنمایش‌داده‌شده وقبول عام یافته است .

امادرام منظوم درایران کمتر رواج یافت . اولین نمونهٔ اینگونه نمایش ترجمهٔ«میزان تروپ» مولیرست که باعنوان «گزارش مردم گریز» بشعرفارسی ترجمه شده و درروزنامه تصویر الافکار چاپ اسلامبول در سال ۱۲۸۶ قمری یعنی پنج سال پیش ازانتشار ترجمه های‌آخوندزاده بطبع رسیده است . مترجم این نمایش درآن تصرف کرده و آنرا بصورت ایرانی درآورده . مثلا بجای Alceste مونس وبجای Eliante لیلا گذاشته است. ظاهراً سرا سراین نمایش یك وزن است و وضع قوافی آن مانند اصل فرانسوی‌مثنوی است. تفاوتی که این نمایش باتعزیه های منظوم دارد اینست که هریك‌ازبازیگران یك مصراع یایك بیت تمام نمیگویند بلکه هر مصراع شامل چند گفتگوست . دوسه بیت آنرابرای مثال میخوانم:

مونس :بیابه بینم
فراش : دارم دوحرف باسرکار
مونس : توان دوحرف خودت راکنی بلند اظهار
فراش : رئیس دیوان آنراکه بنده ام‌فراش،
مرابدست بدادست حکم حاضر باش
بتو
مونس : بکه؟ بمن؟
فراش : آری بتو
فراش : برای‌چه‌کار ؟ ...

درزمان جشن فردوسی (۱۳۱۳) چندنمایشنامه ازشاهنامه‌اقتباس کردند که‌بازیگران درصحنه اشعار فردوسی را بامختصر تصرفی میخواندند . بعدهانیز دیگران همین شیوه راپیروی کردند وقطعات‌دیگری‌ازشاهنامه اقتباس وبمعرض نمایش گذارده‌شد. بعضی نمایشنامه‌های‌منظوم بتاثیرهمین نمایشهابوجودآمد که در بحرمتقارب ساخته شده‌بودو نمایش‌نداده‌اند .ذبیح بهروزدرنمایش**«شاه ایران و بانوی ارمن»**کار تازه ای کرده ونخستین‌بار بنظم‌آزاد نمایشی ساخته‌است.

اما پیش از همهٔ انواع تئاتر نمایشهای تاریخی در ایران رونق داشته و موردتوجه قرارگرفته است . ازجمله نمایشهای تاریخی **داستان خونین** اثر سیدعبدالرحیم‌خلخالی. **آخرین یادگار نادر** بقلم سعیدنفیسی‌است . نمایشهای **عمر خیام** و**نادر شاه افشار** و **عاقبت هرمزان**نیز نمایش داده شده است. صادق هدایت نیز دو نمایشنامه نوشته است که هردو جنبهٔ تاریخی دارد . یکی **پروین دختر ساسانی** و دیگر **مازیار** . هیچیك از این دوراتاکنون‌نمایش نداده اند .

اکنون در تماشاخانه‌های تهران اغلب نمایشنامهای تاریخی رواج بسیار دارد . نمایش ترجمه های آثار ادبی مهم اروپائی نیز معمول است که همه آن

ها ازلحاظ دقت در ترجمه ومهارت اقتباس وبازی یکسان نیست

نمایشنامهای فارسی بسیارفراوان تراز اینست، اماچون اغلب آنهاچاپ نمیشود نمیتوان بعنوان آثار ادبی از آنها نام برد .

از جمله کسانیکه در ترقی فن تئاتر کوشش کرده‌اند عبدالحسین‌نوشین را باید نام‌برد . این هنرپیشه زبردست که عاشق فن خویش است ودر اروپا این فن‌را مشتاقانه آموخته‌نمایشنامهای «مردم» اقتباس‌از «توپاز» مارسل‌پانیول و«ولپن» راکه خود بااستادی تمام بفارسی اقتباس وترجمه کرده بودچندبار به معرض نمایش گذاشته وشهرت ورواجی بیمانند یافته است . دیگر از آثار او ترجمه اتللوی شکسپیر و «پرنده آبی» مترلینك‌است. نوشین‌دراصلاح بیان‌نمایش که اغلب ساختگی وغیر طبیعی بود خدمت بزرگی انجام داده است . گروهی از بازیگران زبردست پروردهٔ او هستند . در نمایشنامهائیکه او اداره میکند باعدم وسائل ومشکلات فراوان کمالی هست که هنر دوستان را شیفته میکند .

هجو ومزاح و انتقاد طنز آمیز

اگر از اهاجی رکیك بعضی‌از شعرا بگذریم در ادبیات قدیم مامزاح وانتقاد طنزآمیز بسیارکم است وتنها نمونه عالی و درخشان آن آثار عبید زاکانیست . امادر ادبیات جدید دهخدا موسس ومبتکر این نوع است . انتقاد های پراز نیش وکنایه او بعنوان «چرند وپرند» درروزنامه صوراسرافیل باب تازه‌ای در ادبیات معاصر فارسی گشود . این مقالات دهخدا پراز کنایه ها وطعنه های زیرکانه ولطیف است . دهخدا در این مقالات طبقات مختلف زمانرا که سد راه پیشرفت جامعه بودند از شاه ووزیر ووکیل وآخونه منصب واعیان و درباریان وغیره بیاد مسخره گرفته است .

ذکرنمونه‌ای ازاین شاهکار های مزاح شاید بجا باشد «جمعی ازطلاب نامه‌ای بزبان عربی بروزنامه صور اسرافیل‌نوشته‌اند. دخو آنرا بخدمت یك آقا شیخ جلیل القدر فاضلی برده وخواهش کرده است که برای او ترجمه کند اما از ترجمه آن خودش چیزی نفهمید واو یارقلی رفیقش اصرار داشته است که اینزبان عربی است وبرسر این‌موضوع باشیخ که مدعی فارسی بودن ترجمه است کارش بمنازعه کشید وآخر برای طی دعوا قرار شده است متن ترجمه‌را در روزنامه چاپ کنند تاشایدخوانندگان فاضلی پیداشوند وازآن چیزی‌بفهمند متن ترجمه نامه عربی اینست :

ـ ای کاتبین صور اسرافیل . چه چیزست مر شمارا که نمینویسید جریده خودتانرا همچنانیکه سزاوار است مرشما ژاکه بنویسیدآنرا ، وچه چیزست‌مر شمارا باکاغذ لوق وامردان وتمتع از غیر یا نسات در صورت تیقن بعدم حفظ مراه مرعده خود را ودر صورت دیدن ماآنانراکه آلان از حجره‌دیگر خارج شده‌اند . حال‌گو اینکه میتوانید بنویسید مطالبی عدای آنها را .

پس به تحقیق ثابت شد ما را بدلایل قویه‌بدرستی که آن چنان اشخاصی که مینویسند جرائد خود رامثل شما آنانند عدوما وعدوهای ماآنانند البته عدو خدا .

پس ماحالا میگوئیم مرشماراکه اگر هرآینه مداومت کننده باشید شما برتوهین اعمال مابعنی اشاعه کفر وزندقه پس زودست که می بینید بأس‌ما را هرآینه تهدید میکنیم شمارا اولا تهدید کردنی، وهرآینه میزنیم شمارا در ثانی زدن شدیدی وهر آینه تکفیر میکنیم شما را در ثالث ورابع کشتن کلاب وخنازیر ، وهر آینه آویزان میکنیم شما را برشاخهای درخت توت آنچنانیکه درمدرسه ماست تابدانیدکه نیست مر عامیان را برعالمین سبیلی والسلام»

پس از دهخدا اگرچه روز نامهای فکاهی فراوان شد ومقالات‌انتقادی بسیار نوشتند اما هیچیك اهمیت وشهرت مقالات اورا نیافت

نمونه دیگری از انتقاد ومسخره‌آمیز کتاب «وغ‌وغ‌ساهاب» است که صادق هدایت باشرکت مسعود فرزاد نوشته ودر ۱۳۱۳ چاپ شده است . در این کتاب که در دورهٔ‌حکومت پلیسی نوشته‌شده بود انتقاد های سیاسی واجتماعی کمترست ونویسندگان بیشتر قواعد وسنن ادبی و نمونهای ادبیات معاصر از تأثیر های احساساتی ورمانهای تاریخی وافکار عقب مانده وطرز تفکر ادبای محافظه کار را مسخره کرده‌اند .

درسالهای اخیر پس‌از شهریور که قید سانسور حکومت پلیسی برداشته شد این نوع آثار نیز رواج گرفت وگذشته از روزنامهای فکاهی که بعضی از آنها اسلوب دهخدا را پیروی میکردند ، مقالات وداستانهای هجو آمیز بوجود آمد.

از نمونهای برجسته این آثار یکی کتاب **ولنگاری** صادق هدایت‌است که از مطالب آن قضیه **خردجال** شهرت بسیار یافت . دیگر کتاب **التفاصیل** بقلم **فریدون توللی** که شامل مقالات متعددیست . تکرار قالب بیان‌درقطعات متوالی این کتاب یکنواختی ملالت آوری ایجاد کرده‌اما نکته جوئی های‌لطیف وزیرکانهٔ نویسنده این نقص راجبران میکند .

تحقیقات تاریخی و تتبعات ادبی و فنون دیگر

در دورهٔ حکومت دیکتاتوری تنها رشته‌ای از ادبیات که مورد اعتنا قرار گرفت و ترقی کرد تحقیقات تاریخی و تتبعات ادبی بود. این امر چند علت داشت: یکی آنکه حکومت وقت برای تظاهر بوطن پرستی تحقیق در تاریخ گذشته و ذکر مفاخر ملی را که موجب سرگرمی ملت است و او را از توجه بحال آینده باز میدارد لازم میدانست و تشویق میکرد؛ دیگر آنکه فشار پلیس ذوق ابداع و ایجاز را که در آزادی پرورش مییابد کشته بود و ناچار اکثر اهل ادب بکار بی ضرر و بیخطر که تحقیقات تاریخی و تتبعات ادبی بود میپرداختند •

این رشته نیز مسلماً سود مند و لازم است و مخصوصاً برای ملتی مانند ایرانیان که ادبیات قدیم ایشان تا این حد عالی و درخشان است و بدبختانه آنرا چنانکه باید درست نمی شناختند بسیار باید مورد توجه قرار گیرد، اما بدو شرط: اولا توجه باین رشته بحدی نباشد که مانع پیشرفت فنون ادبی دیگر گردد • ادبیات زنده است که نشانه حیات و بقای قومی است و مفاخر ادبی گذشته بتنهائی کافی نیست که ضامن بقای ملتی باشد. ثانیاً تحقیقات ادبی و تاریخی در صورتی مفید خواهد بود که باموازین جدید دنیای امروز سنجیده شود و مورد انتقاد و مقایسه و استنتاج قرار گیرد •

با اینحال کوشش هائی را که در دورهٔ گذشته در این راه بعمل آمد نباید نادیده گرفت. تا سی سال قبل هرکس اطلاع درست و مرتبی در بارهٔ تاریخ ادبیات ایران لازم داشت ناچار بود که بسراغ آثار خاور شناسان برود که اغلب آنها خالی از سهو و اشتباه نبود • در این دوره اسلوب تحقیق و مقایسه اسناد و مدارك تاریخی را محققان ایرانی از اروپائیان آموختند و نتایج بسیار خوب از آن بدست آوردند • از جمله محققان این رشته که آثار مهمی انتشار داده‌اند قزوینی و تقی زاده و فروزانفر و قریب و بهار و اقبال و نفیسی و مینوی و همائی و مدرس رضوی و محیط طباطبائی و دکتر شفق و بهمنیار و فلسفی و یاسمی را نام باید برد •

بهمت این استادان بسیاری از زوایای تاریك تاریخ ادبی ایران روشن شد و اکنون نسبت بدوران گذشته اطلاعات کامل و جامعی در بارهٔ تاریخ ادبیات ایران بدست آمده، اگرچه باید این نکته را گفت که هنوز تاریخ ادبیات کامل و دقیق و مبسوطی در یکجا تدوین نشده و تنها اثری که از این نوع بفارسی تألیف شده کتاب نسبتهٔ مختصری است بقلم دکتر شفق که مخصوص تدریس در مدارس است •

فن دیگری که در دوران اخیر بوجود آمد تحقیق در ادبیات و زبانهای ایران پیش از اسلام است •

اینکار را نخست خاور شناسان آغاز کردند و ایرانیان مدتها در اثر تعصب مذهبی از گذشته پرافتخار خود بکلی غافل مانده بودند. اولین کسیکه فارسی زبانان را با این نوع آثار آشنا کرد پورداود بود که بتألیف و انتشار یك دورهٔ تفسیر اوستا بفارسی همت گماشت. بعد ها تحصیل زبانهای پهلوی و اوستائی و فارسی باستان در ایران آغاز شد و بعضی از ادبا بترجمه متون پهلوی پرداختند، مرحوم کسروی تبریزی و بهار و یاسمی هریك بعضی از رسالات پهلوی را بفارسی درآوردند و صادق هدایت نیز چند رساله پهلوی فارسی برگردانید اکنون در دانشکده ادبیات این زبانها تدریس میشود و گروهی از جوانان در فنون زبانشناسی ایرانی صاحب اطلاع و نظر شده‌اند •

تحقیق در فلکلور ایرانی را نیز خاورشناسان اروپائی آغاز کرده اند اما در ایران نخستین کسیکه باین امر توجه کرد صادق هدایت بود که در سال ۱۳۰۹ مجموعه‌ای از تصنیف های عامیانه بعنوان **«اوسانه»** و در سال بعد کتابی در عقاید و خرافات و اوهام و آداب و رسوم بنام **«نیرنگستان»** تألیف و چاپ کرد. در ۱۳۱۳ موزه مردم شناسی تأسیس شد اما هنوز این مؤسسه مجموعه‌ای از تحقیقات یا گزارشی از اقدامات خود منتشر نکرده است • بعد ها وزارت فرهنگ کسانیرا بجمع آوری افسانه ها و دوبیتی های محلی گماشت و چهارده افسانه روستائی و مجموعه ای از دوبیتی های محلی بعنوان «هفتصد ترانه» بخرج وزارت فرهنگ چاپ شد. اکنون چند سالست که **صبحی مهتدی** در رادیو افسانه‌سرائی میکند و جلد اول کاملترین مجموعه افسانهای ملی ایران که او فراهم آورده در سال گذشته بچاپ رسیده است •

اما در نقد ادبی و سخن سنجی باسلوب جدید کار مهمی در ایران انجام نگرفته است. چند مقاله بقلم ملك الشعراء بهار در مجلهٔ دانشکده نخستین نمونه این بحث در زبان فارسی بشمار میرود. سلسلهٔ مقالاتی در بارهٔ هنر و هنرمند نیز در دورهٔ های اول و دوم و سوم مجله سخن منتشر شده است و تنها کتابی که از این نوع تألیف شده **«سخن سنجی»** دکتر صورتگر است در کلیات مسائل ادبی که در دانشکدهٔ ادبیات تدریس میشود و خطابه شیوا و بلیغ دکتر رعدی در فرهنگستان که کوشیده است ضمن بیان عقاید خود در باره تجدد ادبی اهل آن مجمع را متقاعد کند که انواع جدید مانند رمان و تئاتر نیز جزء ادبیات شمرده میشود •

نتیجه

تاریخ ادبیات مادر هفتاد سال اخیر مظهر شوق وشور ملتی‌استکه میخواهد زنده بماند ومیکوشد که بدیگران برسد و عقب ماندگیهای خود را جبران کند . سوز ودرد عقب ماندگی که گاهی بامید وگاهی بانومیدی آمیخته در سراسر آثار ادبی این دوره دیده میشود . این هفتاد سال ملت ایران از کوشش باز نایستاده اما اغلب بزور اورا ازپیشرفت باز داشته‌اند . ملت ایران در این سالها باعدم وسائل مجبور بوده است که بااستبداد داخلی و نفوذ قوی وشدید استعمار خارجی که گاهی بدست حکومت فاسد ودست نشانده وگاهی به تحریك تعصب های خرافی ، سد های بزرك در مقابل شوق ترقی او ایجاد میکردند مبارزه کند .

بااینحال در ذوق وهنر ودانش نمیتوان گفت که پیش نرفته است . پیش رفته وما امروز در بعضی از فنون ادبیات نمونه های برجسته داریم . اما این درجه پیشرفت شایسته قدر ومقام ملتی چنین سربلند که دنیا را شیفته هنر وذوق خود کرده بود نیست . من در اینجا از ایران دفاع میکنم. ملت ایران نتوانسته است استعداد ولیاقت خود را چنانکه باید بروز دهد . فقر عمومی وبیسوادی و جهل اکثریت ملت استعداد هنری گروهی کثیر را در پردهٔ اختفا نگهداشته ، فشار استبداد وفقدان آزادی نیز در دورهٔ گذشتهٔ ذوق ابداع وهنر ایرانیان راموقتاً خاموش کرد ودر پیشرفت ادبیات ماوقفه‌ای انداخت . برهان گفته من اینست که در این چهار ساله اخیر که آن فشار تاحدی برطرف شده باهمه بدبختیها و سختیها واضطراباتی که نتیجه وضع جنك وعلل دیگر بوده‌است جنبشی تازه در ادبیات ایران دیده میشود . چند تن از نویسندگان صاحب قریحه وزبردست که نام بردم درهمین چندساله ظهور کرده‌اند . شماره کتابها ومجلات وآثار علمی و ادبی که درین چند سال هرماهه چاپ میشود باوجود سختی معیشت وگرانی فوق العاده وسایل طبع چند ده برابر مطبوعات سابق است. جنبش وشوری درملت ایران دیده میشود که مدتها خاموش مانده بود .

نویسندگان امروز ایران وظیفه‌ای بزرك وتاریخی برعهده دارند که غفلت از آن موجب شرمندگی وسرافکندگی‌است. شما برگزیدگان این ملتید ملت ایران چشم توقع بشما دوخته است . بشکرانه آنکه این مقام رایافته‌اید باید بخدمت ملت کمر بندید .

بشکر آنکه شکفتی بکام دل ای گل   نسیم وصل زمرغ سحر دریغ مدار

نخستین وظیفه شما حفظ آزادیست . همان آزادی که مایه حیات فکرو ذوق وهنرست این سرمایه گرانبها را این بار دیگر ازدست ندهید . راه توفیق در این کار آنست که نگذارید دشمنان آزادی از آن استفاده کنند . وظیفه دیگر شما اینست که بیشتر کوشش کنید . مهمی که در پیش دارید عظیم است وجای تفنن نیست . باید بادنیای امروز هماهنك شوید . ملتهائیکه جلو افتاده‌اند بیش از اینها کوشش کرده‌اند .

یك نکته راهم برای کسانی که شاید دوچار نومیدی شده باشند بگویم عمر ملتها بخلاف عمر افراد آن بسیار درازست وتاریخ جهان جز تاریخ مسابقهٔ ملتهای زنده در راه دانش وهنر نیست . مابارها پیشرو بوده‌ایم وفقط دریك مسابقه همین مسابقه اخیر عقب افتاده‌ایم . چه جای نومیدی است . تا زنده‌ایم مجال پیشرفت هست . شما نمایندگان روح هنرمند ملت ایرانید .

ایران جاوید ! ایران زنده ! به پیش !



(سخنرانی دکتر پرویز ناتل خانلری در مراسم سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران نقل از مردم شماره‌ی ۱۳۲)



مهرگان نو

به مناسبت عید بزرگ مهرگان – جشن تشکیل حزب توده ایران

بعضی از آداب و رسوم در ملتهای کهنسال چنان ریشه دوانده و رسوخ کرده است که با تحولات بزرگ اجتماعی نیز پایدار می‌ماند و حتی وقتی که علت آن رسم و عادت نیز از میان رفته یا فراموش شده، برای بقای خود بهانه یا علت دیگر می‌یابد.

موارد و مثالهائی که برای بیان این معنی و تأیید این دعوی هست آنقدر فراوانست که ذکر آنها ، صفحات بسیاری را پر خواهد کرد. بتکده‌ها، آتشکده یا پرستشگاه مهر می‌شود. پرستشگاه به کلیسا و کلیسا به مسجد تبدیل می‌گردد.

مردمانی که در ناحیهٔ معینی ساکن بوده‌اند عادت داشته‌اند که در جای معینی عبادت کنند. آنجا عبادتگاه ایشان است. آداب عبادت به حسب مذاهبی که پذیرفته‌اند یا بر ایشان تحمیل شده است، تغییر می‌پذیرد. اما جای عبادت همانجاست که بود. بیشتر کلیساهای معروف و مهم مسیحی، در اروپای شرقی و مرکزی، درست همانجاها که بتکدهٔ کافران بوده، بنا شده است. در ایران هم مثالهای فراوانی برای این معنی می‌توان یافت. بسیاری از مسجدها و زیارتگاه‌ها، در محل آتشکده‌های زردشتی بنا شده است و در بعضی از آنها هنوز آثار آتشکده برجاست.

اما این نکته مختص مکانها نیست. حکمی است که بر بیشتر عادات و آداب دیگر نیز می‌توان کرد. قرنها بر ایرانی گذشت و به آئین زردشت، که آن نیز دنبالهٔ آئین کهنهٔ دیگری بود، عادت یافت که روشنی را بستاید و هنگام افروختن آتش یا چراغ سرودی بخواند و آنرا نیایش کند. آئین دیگرگون شد؛ اما رسم و عادت بجا ماند و فرزند ایران،به آئین نو، پرتو ایزدی را

شباهنگام با صلواتی ستایش کرد. در جشنها و آداب و رسوم مربوط به هریک، نیز این حکم صادق است. سرچشمهٔ بسیاری از جشنهای بزرگ را که میان ملتهای گوناگون امروز هست در زمانهای پیش از تاریخ جستجو می‌توان کرد. علت برپاداشتن این جشنها اغلب از یاد رفته و بهانه‌های تازه‌تری به جای آنها قرار گرفته است. اما محقق می‌داند که : « در این چشمه ، همان آب روانست که بود».

به این طریق ملتها عادات و آداب خود را که جزء خصائص روحی و ذوقی ایشانست نگه می‌دارند. همه همراه سیل حوادث و تحولات اجتماعی می‌روند. اما همهٔ همراهان همرنگ نیستند.

آنچه مایهٔ امتیاز ملتی از ملت دیگر است، همین آداب و رسوم است که نشانهٔ خصوصیات ذوقی و یادگار زندگی گذشتهٔ اوست. افراد انسان وجودهائی مستقل از گذشتگان و مجزا از آیندگان نیستند. هریک از ما موجی هستیم که از آن کرانهٔ زمان برخاسته‌ایم و سلسلهٔ موجها بهم پیوسته است.

از این گفتگو غرض آن نیست که تحولات عظیمی را که قهراً در وضع اجتماعی بشر رخ می‌دهد انکار کنیم. این تحولات

نتیجهٔ احتیاجات تازه است. اما ذوق و دلبستگی گاهی با احتیاج منافی نیست. از خصائص بشرست که به عادات خود دل می‌بندد و تا آنجا که با احتیاجاتش منافی نباشد آنرا حفظ می‌کند و یا با احتیاجات جدید منطبق می‌سازد. ملتهای کهن که عاداتشان راسخ‌تر و جایگیرتر است بیشتر در حفظ آنها اصرار و ثبات می‌ورزند.زیرا ترک عادات کهن دشوارترست و این پافشاری در حفظ یادگارهای دیرین نشانهٔ دوام و بقای روح ملی ایشان است.

ایرانیان، میان ملتهای همسال خود بدین صفت ممتازند که خصائص ملی خود را بیشتر و بهتر حفظ کرده‌اند. بسیاری از آداب و رسوم که امروز میان ما معمول و رایج است از گذشته‌ای دور و دراز حکایت می‌کند. وضع اجتماعی ما بارها تحول یافته، حکومت‌ها تغییر کرده، دینها و مذهب‌ها عوض کرده‌ایم و بسیاری از آداب و مختصات ذوقی و روحی ما «سالها رفت و بدان سیرت و سانست که بود»

اما نکته‌ای که در این تغییر رنگ و آداب و رسوم ملتها قابل ملاحظه است اینکه، هر تغییری را می‌توان نشانهٔ یکی از تحولات بزرگ اجتماعی شمرد. خواه این تحول رنگ دینی داشته و خواه به ظاهر نیز بر اثر دگرگونی وضع معیشت و ادارهٔ اجتماع حاصل شده باشد.

جشنها و مراسم مخصوص به هریک از آنها ، میان آداب و رسوم ملتهای کهنسال فصول برجسته‌ایست و اغلب یادآور سوانح و فراز و نشیبهای زندگی هر ملت است. این جشنها در طی زمانهای دراز رنگهای مختلف می‌پذیرد. دربارهٔ موجد و علت ایجاد آنها در عصور متوالی ، اقوال گوناگون به وجود می آید؛ و بدین طریق رسمی کهن با مقتضیات هر زمان متناسب می‌شود.

از جملهٔ جشنهای متعدد که یادگار عمر دراز و شکوه و جلال گذشتهٔ درخشان ملت ایران است«مهرگان» را باید شمرد. این جشن، روزی در عظمت و اهمیت تالی نوروز بوده است. تحقیق دربارهٔ اصل این جشن بزرگ ایرانی و سوابق تاریخی آن، فرصتی بیشتر می‌خواهد و مقاله‌ها و کتابها باید بدان اختصاص دادکه تهیهٔ آنها کار دانشمندان اهل فن است. در قرون نخستین بعد از اسلام هنوز جشن مهرگان رونق و شکوه باستانی خود را از دست نداده بود. دیوان اکثر شاعران بزرگ قرون چهارم و پنجم را که بگشائیم قصایدی شیوا و بلند در وصف جشن مهرگان و تهنیت بزرگان عهد در آنها می‌یابیم.

شاعران ایرانی ما شاید برای آنکه امیران و پادشاهان را که گاهی ایرانی نژاد هم نبوده‌اند به حفظ این جشن و برپاداشتن

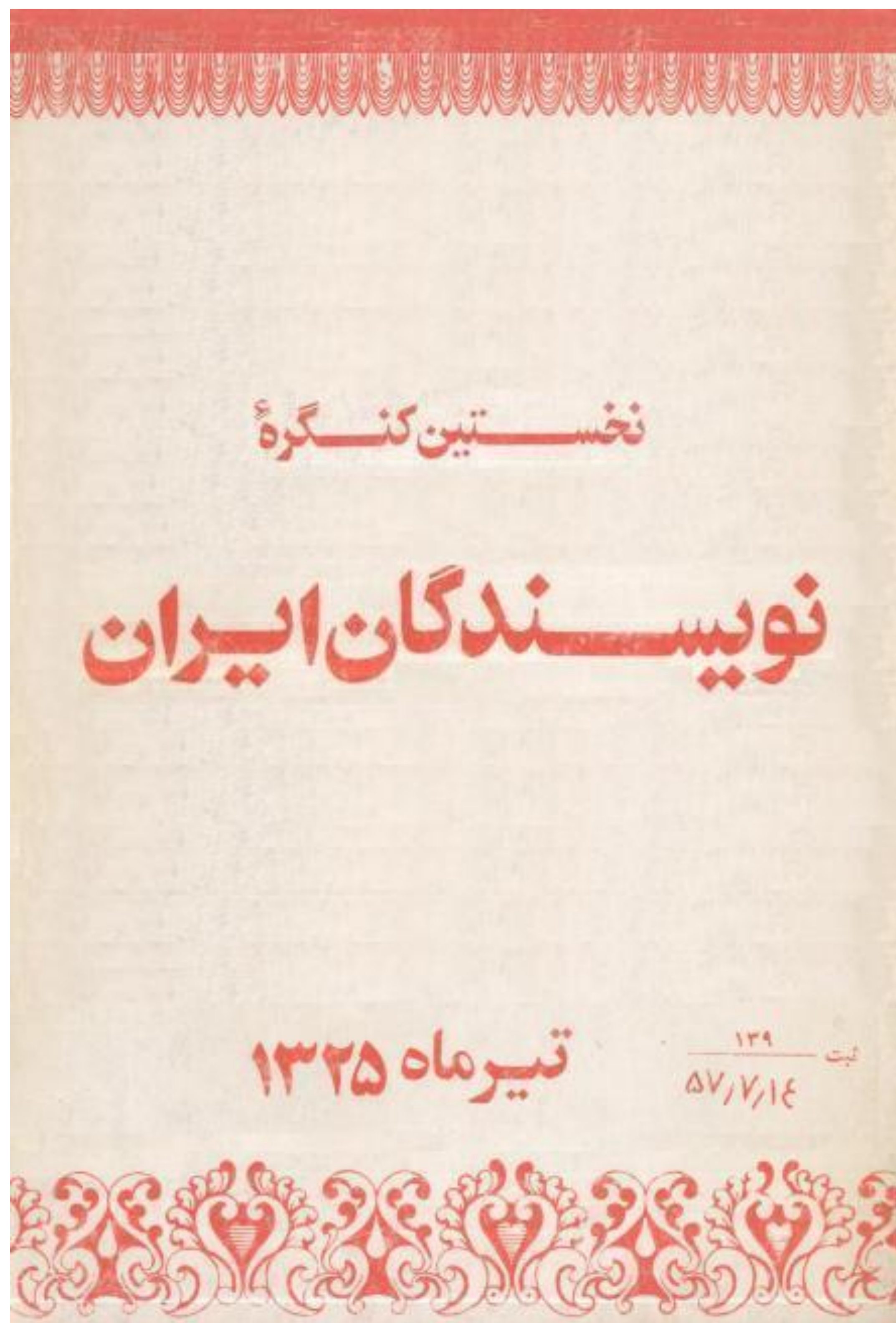
مراسم آن تشویق کنند، آنرا «جشن میران و خسروان» خوانده‌اند. مرور زمان و مصائبی که بر سر ملت ایران در طی قرنهای بعد وارد آمد و تعصب خشک و بیجای مذهبی در بعضی از این ادوار رفته رفته جشن مهرگان را نیز مانند بسیاری از آداب و رسوم زیبا و دل‌انگیز دیگر متروک ساخت. اکنون چندین قرن است که از جشن مهرگان جز در بعضی نواحی دورافتاده و میان قسمتی از توده‌های ده‌نشین و کوهستانی که به آداب قدیم خود وفادار مانده‌اند خبری نیست.

امسال جشن مهرگان ناگهان جلوه‌گر شده است. حزب تودهٔ ایران ، روز تأسیس خود را با این جشن کهن تطبیق کرده و پس از قرنها، پیری کهنسال را که همه مرده‌اش می‌پنداشته‌اند نیروی جوانی بخشیده است.

اما مهرگان امسال رنگ دیگری دارد. «جشن میران و خسروان» اکنون نزد افراد ایران به مهمانی آمده است. این تغییر رنگ را نشانهٔ تحول تازه‌ای در جامعهٔ ملت ایران باید شمرد. افراد ملت، افراد رنج کشیده و محروم، اکنون از جشن مهرگان، «جشن میران و خسروان» ، نصیبی دارند. تودهٔ ملت قدر و مقام خود را دریافته و اینک این پیروزی را جشن می گیرد و چنانکه شایستهٔ هر ملت پرافتخار و کهن سال ، و در عین حال زنده و کوشاست؛ در این جشنِ کوشش و کار برای آینده‌ای سعادت آمیزتر،از گذشته‌های زیبای خود یاد می‌کند. این جشن نو مهرگان ثابت می‌کند که ایرانی، همان ایرانی صاحب ذوق و کوشندهٔ

قدیم، نیروی تازه‌ای یافته و رو به آینده می‌شتابد. آینده‌ای که برای اکثریت افراد ملت آسایش و سعادت بیشتری در بر خواهد داشت. مهرگان نو، جشن جنبش و کوشش روح ملی ماست. در این جشن دل ها به آینده‌ای درخشان امیدوار است.

مهرگان نو فرخنده باد !



منتشر شد:

سخنرانی‌های برخی از نویسندگان و شاعران در کنگره ۱۳۲۵ – تهران

۱– احسان طبری

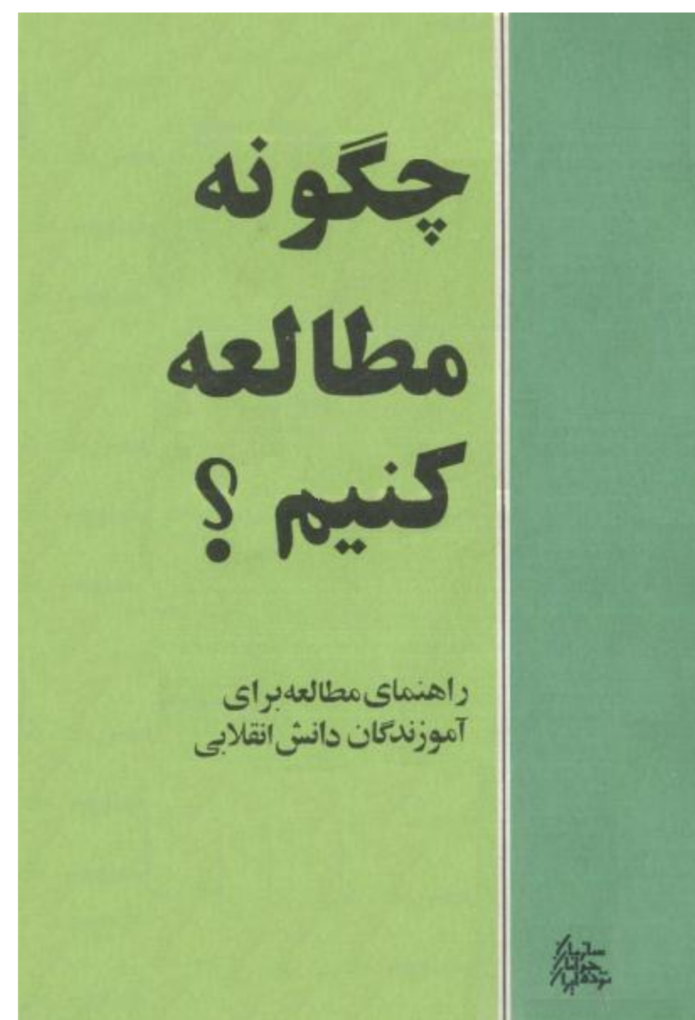
۲– دکتر فاطمه سیاح

۳– دکتر پرویز ناتل خانلری

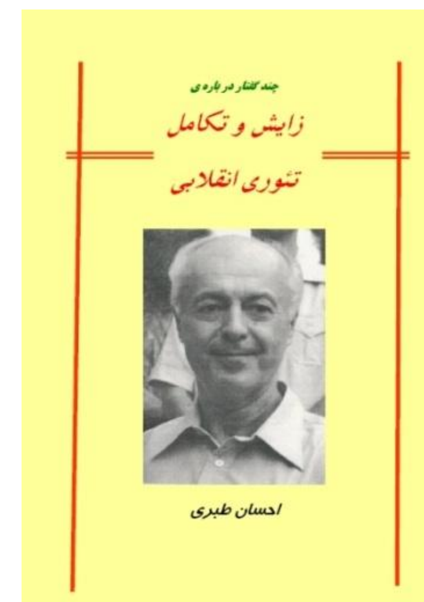
۴– اشعار شاعران در ستایش انقلاب اکتبر در کنگره

۵– نقدهای احسان طبری، خانلری و عبدالحسین نوشین بر سخنرانی حکمت





کتاب‌خانه «به سوی آینده» در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات سازمان جوانان حزب توده ایران و «با کدام کتاب‌ها آغاز کنیم؟» از انتشارات کانون دانش‌آموزان ایران را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!



آثار احسان طبری :

· سطح امروزین فلسفه
· قصه ی شغال شاه
· جستار هایی از تاریخ
· در باره سمیوتیک
· پنجابه
· منتخب مقالات
· در باره منطق عمل
· سفر جادو
· گزیده مقالات
· با پچپچه های پاییز
· هورستیک
· درباره سیبرنتیک
· جامعه شناسی
· تاریخ یک بیداری

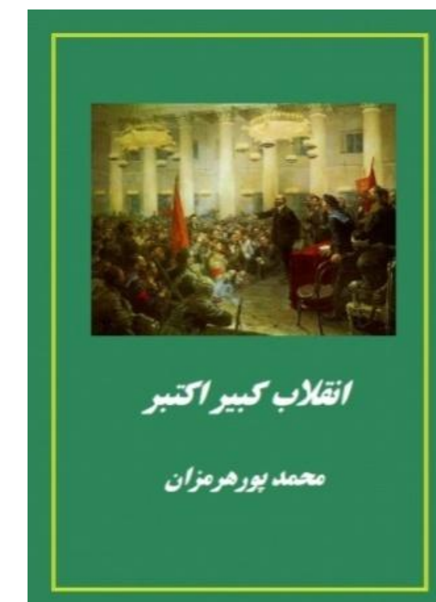
- گئومات
- شکنجه و امید
- دهه نخستین
- فرهاد چهارم
- داستان و داستان نگاری
- چهره یک انسان انقلابی
- از میان ریگها و الماسها
- درس های پیکار
- سیر تـکوین ماده و شعور
- رانده ستم و چهره خانه

نیروی سوم پایگاه اجتماعی امپریالیسم

- راهی از بیرون به دیار شب
- زایش و تکامل تئوری انقلابی
- مارکسیسم لنینیسم به زبان ساده (الفبای مبارزه)
- آموزش فلسفه علمی (بنیاد آموزش انقلابی)
- تئوری سیستمها و اصول دیالکتیک
- فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری
- مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان
- برخی اندیشه ها درباره دیالکتیک
- سیستم و برخورد سیستمی
- جامعه ایران در دوران رضا شاه
- برخی بررسی ها درباره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی در ایران

سخنرانی‌ها :

- دیالک تیک
- بابی سندز
- ناکجا آباد
- کافکا


انقلاب کبیر اکتبر
محمد پورهرمزان

- هجدهم برومر اثری از کارل مارکس با ترجمه رفیق شهید محمد پورهرمزان
- درس های پیکار منظومه ای از رفیق احسان طبری
- صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی اثر رفیق شهید جوانشیر
- تاریخ احزاب در ایران
- انتقاد و انتقاد از خود
- شمه ای در باره ی تاریخ جنبش کارگری ایران
- در بارهٔ برخی از خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم
- تاریخ نگاری فلسفه
- حزب توده ایران و دکتر مصدق
- مبارزه طبقاتی



(... کار و دانش را به تخت زر بنشانیم ...)

انتشار این سری از اسناد، مقالات و کتاب‌های کتاب‌خانه «به‌سوی آینده» به‌افتخار قرار گرفتن قریب‌الوقوع در آستانه‌ی هفتادمین سالگرد آغاز پیکار حزب طراز نوین توده‌ها: **حزب توده ایران**، در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان، در راه بهروزی میهن و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، تقدیم علاقمندان می‌گردد .

کتابخانه «به سوی آینده»، (هوادار حزب توده ایران)

